



**بهشتی و ...**

بقیه از صفحه اول  
 است، چه نظری از آنها می-  
 تواند وجود داشته باشد. نکته  
 مهم آنکه روز پنجشنبه مردم تهران  
 در اجتماع عظیم و تظاهرات  
 خیابانی خودشان را از دست  
 کابل به ما هیت دشمنان آزادی  
 و لگدمال کنندگان، خشن  
 شهیدان انقلاب خویش آگاهی  
 دادند و چهره واقعی این  
 مقامات و سران حزب و دولت  
 دست نشانده آن کابل برای  
 مردم مشخص میباید. علاوه  
 چهره واقعی هوا رکشان این  
 حزب فاسد و مستبد یعنی جماعت  
 داران و عربده کشان روز پنج  
 شنبه نیز کاملاً مشخص بود از روی  
 علم و کتلت و شیوه های مخصوص  
 بخودشان که کاملاً معلوم بود که از  
 همان تفاله های کودتای ۲۸  
 مرداد یعنی اوباش طرفداران  
 کاشانی و بقیانی و فدائیان  
 اسلام هستند که میکوشند قضا  
 یای دوره تصفای را دوباره  
 تکرار کنند. همچنین توده های  
 و سایر اجیرشدگان دولت  
 استعماری روس، ساواکیهای  
 مسلمان دوا شده و البته  
 گروهی هم تا آگاه، که از راه  
 فریب و پیرنگ بسج شده و بسی  
 پس از چندی به ما هیت قضیه بسی  
 سرده چیدان را خالی میکنند.  
 پس از اجتماع و تظاهرات  
 ۱۴ اسفند بلندگوهای تبلیغاتی  
 تی و مطبوعات طرفدار حزب با  
 ذکر بیانیها و انجاء متفا سیر  
 با ملاحظه سیاسی تلاش کردند تا  
 قضا یای روز پنجشنبه و شنبه و  
 دستگیری چهل و چند نفر از اوباش

چما قدا را محصول تحریک چند  
 " گروهک سیاسی " و نتیجه  
 " فتنه آشوب " کمونیستها  
 و ما رکسیت ناما و مجاهدتها  
 قلمداد کردند. علاوه بر این  
 عمومی سیاسی اطلاعیه های  
 بر طبق اظهار نظر حزب حاکم  
 است که اجتماع روز پنج  
 شنبه و شاعرهای مردم علیه حزب  
 و سران معلوم الحال آن تمام  
 بد مقصود به لوث کشیدن قضیه  
 جنگ و زمینه سازی مذاکرات  
 برای سازش با تجا و زکاران  
 عراقی بوده و از نتیجه آمریکا  
 برای ایجاد تفرقه و اختلاف در  
 جبهه داخلی و تحمیل یک  
 دولت " میان رو " و " لیبرال "  
 منشاء میگرفته است. بایده  
 این حضرات و مفسران سیاسی  
 را دیو- تلویزیون و مطبوعات  
 وابسته به حزب، که همین یا  
 گوشیها را برتیا تکرار میکنند،  
 پاسخ داد که: اولاً چند هزار  
 نفر مردم تهران را با زججه  
 دست چند " گروهک سیاسی "  
 تصور کردن تینها نشان میدهد  
 که شما چه درکی از مردم و جنبش  
 آنها دارید و تصور میکنید که می-  
 شوند و با زججه و آلت  
 دست قرار در بیرون بیایند  
 با ملاحظه گروهکها بیسیسی  
 کمونیست و ما رکسیت و مجاهد  
 و غیره، که بگفته شما مدتها  
 هزار نفر شاعرها و خواسته های  
 عنوان شده آنها را تا شنبه  
 گروهکها انداخته تا بدخیلی خرسند  
 و از کردار و گفتار خویش خشنود  
 باشند که مطالباتشان با  
 لبات نوده های مردم که اگر  
 روز تعطیل بود خیلی بیشتر از  
 اینها هم میا مدند و همین فریاد  
 ها را میزدند. هما هنگی و هم  
 غرضی کامل دارد و مورد تأکید و  
 تشویق آنهاست.  
 ثالثاً قضیه به لوث کشیدن  
 جنگ عادلانه علت با بعضی های  
 تجا و زکا را و با با نشان نمی-  
 باشد، بلکه قضیه به لوث کشیدن  
 مطالبات آزادیخواهان مردم  
 و پزده بوشی و توجیه مظالم و  
 جنایات حزب حاکم و عواصل آن

بسیار نه جنگ در میان است.  
 و گروهی که کسی است که ندانست و  
 یا نتواند بدانند که دقیقا ایسی  
 حزب حاکم و سردستانان معلوم  
 الحال آن هستند که ما خیانت  
 خود به امرل دموکراسی و لگند  
 کوبیدن به شعار انقلاب مردم  
 را ایجاد اختلاف و بگروید بینست  
 انقلابیون در جبهه ها و دانستن  
 زدن به اختلاف و تفرقه در صفوف  
 مردم تلاش برای احیاء بساط  
 دیگنا توری و استبداد در حیو-  
 چه جنگ کمونی، هم موضوع مقا-  
 و مت یکپارچه مردم در برابر  
 قدرتهای بزرگ و توطئه های  
 خصمانه و ارتجاعی اشان بطور  
 کلی و هم موضوع جنگ عادلانه و  
 میهن پرستانه مردم را به لوث  
 میکشند و بی ارزش میگردانند.  
 کسی است که تداوند که انگیز  
 مذاکراتی برای سازش در میان  
 است دقیقاً همین حزب و سر-  
 دم داران کذائیان، همین  
 در روده ها با ملاحظه مکتبی و  
 بردا و قوال که به آن " شوشترم "  
 آرو وطن فروشانه با آمریکا  
 سر تحویل گروگانهای چاکسون  
 سازش کرد و حتی برداخت بد  
 های شاه معدوم را نیز به سر  
 گرفت، بیش از همه و پیش از  
 هم قریبی مذاکره برای سازش  
 و معامله از بالای سر ز منندگان  
 و جنگجویان جبهه های ما سفید  
 استبداد دبا وطن فروش هم کیش  
 و هم آغوش است و هر چه مستندتر،  
 وطن فروش تر، تسلیم طلب تر و  
 خیانت پیشتر است.  
 رابعاً نقشه ایجاد تفرقه  
 و اختلاف در میان مردم را چه  
 کسانی جز همانهایی که مشغول  
 ایجاد تفرقه و اختلاف در بین  
 مردم هستند و هر روز به بیانه های  
 گروهی از فرزندان مردم  
 را به زندانها میافکنند و خجای  
 ساواکیها و عمال رژیم سابق  
 را با آنها میزنند، هر روز  
 مشرقی تصنی بنام دفاع  
 از روحانیت و اسلامیت پشوه  
 شیخ فضل الله معدوم و کاشانی  
 مطرود و لکنی اترا ی کوبیدن آزادی  
 بیایه و قلم و تشکیلات و نفسی

ابتدائی ترین حقوق سیاسی  
 و مدنی مردم میا میکنند، هر  
 روز قتری از اقشار مردم را در  
 کارخانه و اداره و دانشگاه و  
 غیره بیخاطر عدم تمکین بدستگاه  
 تفتیش عقاید قرون و نظایر  
 که از بیایه ای اروپا تقلید شده  
 است و بیخاطر مخالفت با دزدیها  
 و زورگوشی های باندهای سلطه-  
 گر، در معرض توهین و سرکوب  
 قرار میدهند، و هر روز توطئه-  
 ای را در مجلس و دولت و دالانهای  
 کاخ دادگستری و مجامع سیاسی  
 پشت پرده علیه دستاورد دهانی  
 انقلاب مردم سازمان میدهند...  
 آری نقشه ایجاد این تفرقه و  
 تشتت در جبهه داخلی را چه  
 کسانی جز عوامیل حزب جمهوری  
 اسلامی و سران فتنه گران از  
 آمریکا و رقباش آمریکا مانند  
 شوروی آنها هم گرفته اند؟!  
 و اما خاما قضیه بر نامه  
 آمریکا برای تحمیل یک دولت  
 " میان رو " و " لیبرال "  
 که گویا قرار است جای آقا یان  
 حزبی را بگیرد، چهل در خسور  
 شامل است، چه این نشان می-  
 دهد که نویسندگان بیانیه های  
 چوتوب و تشریح که هر فریاد  
 اعتراضی و ادخواهان مردم  
 را بنا متوطئه آمریکا و شرق و  
 غرب میکوبند چه درکی از امیر-  
 یالیم و سلطه آسار تکرار استعمار  
 غربی یا شرقی دارند. البته  
 مردم بدنبال دولت های میانه  
 زوولیسرا ل نیستند و هیچ روی  
 نمیخواهند میان نه روی کنند و  
 مطالبات خویش را به سطح بشتی  
 اصلاحات سیاسی و اجتماع  
 بدون زدن ریشه فقر و سیاه روزی  
 خویش و اساس رژیمهای خون  
 آشام قباذیستی نظیر رژیم  
 سابق، که همانا سرمایه داری  
 سوروکرا تیک و فئودال لیسم  
 داخلی و استعمار و امیرالیسم  
 خارجی است، تنزل دهند و بیای  
 روش تدریج و اصلاح کیپاری و  
 مما شاپلیا دشمنان خویش را در  
 پیش گیرند. لیکن عجبا کسه  
 بزعم این بیانیه نویسگان  
 بقیه در صفحه ۱۵

## درباره جنگ و صلح و سازش :

### درسهای گذشته و وظایف لحظه کنونی

تجا و رژیم بعثی عراق به ایران جنگی را به مصلحت و انقلاب ما تحمیل کرده است . این جنگ جنگی است که از جانب امپریالیسم آمریکا با پشتیبانی امپریالیسم جهانی در پاسخ سلیبی محکمی که انقلاب ایران داد ، آن در گوش ابرقدرتها و ارتجاع جهانی نواخته است . برپا شده است . از اهداف رژیم عراق و در واقع هدف اصلی صدام در این تجا و زسرکسوب انقلاب ایران و به شکست کشاندن آن بوده است . قصد آنها بر این بود که با این تجا و زسرکسوب غریبی کشور دولت دست نشاندهای برپا دارند و آنگاه بکمک یاران خود در پی تحقیر قدرت سیاسی را در جا مع ما از طریق کودتایی به یک دولت دست نشانده امپریالیسم تبدیل کنند .

اما مقاومت مردم قهرمان ما سربازان و پاسداران و نیروهای بسیج و داوطلبان و همچنین فعالیت بیرونی مدافعان انقلاب و میهن در پشت جبهه صدام را در این تجا و زسرکسوب نقشه های خود با زداشت ، مقاومت قهرمانان در خرمشهر ، در سوئگرد ، در ذوالفقاری آبادان ، در زهرول و در غرب کشور گوشه ای از حماسه هایی بوده است که خلق ما در دفاع از انقلاب و میهن آفریده است . لازم به تذکر است که این دلوریها همگی علی رغم توطئه ها ، انحصار طلبی ها ، خیانت ها و نفاقها ریه ها و سازشکارها و کژاندیشی های محاد را مورصورت گرفته و بیان قابلیت توده های مردم ما است که بی کفایتی سردمداران را حیران میکنند و تلاش حاشینس را عقیم میگذارد .

در این جنگ صف دشمن را بسیاری رسانده اند یعنی دو جبهه ، نبرد خیانت کرده اند . این مسئله ایست که در خرمشهر و در اهواز و چه بسا در بسیاری جبهه های دیگر بر رزمندگان آشکار شده است . حزب جمهوری اسلامی ، حزب انحصار طلبان ، از طریق دادگاههای انقلاب و اعمال خود در بسیج و سپاه و ارتش نه تنها تفرقه افکنی کرده اند بلکه با طرد نیروهای انقلابی و ملی از جبهه مقاومت که یک نمونه آن در آبادان با اعلامیه آقاسای اراکی (عراقی) مشخص شد تفرقه افکنی را به مرز خیانت رسانده اند . در پشت جبهه نیز تلاش در راه برپای داشتن یک حاکمیت انحمارتی استبدادی توسط این حزب پیش از هر جریان دیگری به جبهه مقاومت لطمه زده و خلق را به ضدیت با این حزب خودکامه برانگیخته است . از سوی دیگر سردمداران بورژوازی ملی و خرده بورژوازی در قدرت که تا حدودی رهبری این جنگ و ملت را در هیئت آقای خمینی و بنی مودر داشته اند ، با سیاست تکیه بر جنگ کلاسیک منظم راه را بر تسویه ای شدن جنگ بسته اند و با لطبیع توان مقابله با تجا و زسرکسوب با دلایل مخصوص بخود تضعیف کرده اند . تکلیف عوامل آمریکای و شوروی و دیگر امپریالیستها در جا مع ما هم که در مالات متعدد " حقیقت " مورد بحث قرار گرفته و آنچه آنها کرده اند را این خلاصه مجال بررسی ندارد . آنچه هست این است که انقلاب ایران در مقابل تجا و زسرکسوبها کاری بسزرگ را پیش برده است و در سگیری از آن و انتقال جمع بندی صحیح از آنچه که شده و آنچه که نشده و علل همه

اینها وظیفه ایست که طبقه کارگر ایران و کمونیستها و نیروهای انقلابی با پدید آمدن تبلیغ آن در میان مردم همت گمارند تا بتوانند در راه پیروزی های آینده راهموار نمایند . اما آنچه که در لحظه کنونی اهمیت دارد ، اینست که با سفر هیئت نمایندگی کنفرانس اسلامی به ایران و عراق و خبرهایی که از گوشه و کنار شنیده میشود نقشه هایی برای پایان جنگ کشیده شده است که بر خورد روشن و واضحی را می طلبد . نکته قابل ذکر این است که با شکستی که صدام در اجرای نقشه های شوم خود تا کنون متحمل شده است برای وی و حکومت بعثی عراق اوضاع بحرانی و خطرناکی در آن کشور بوجود آمده است . این اوضاع بحرانی نه تنها نطفه های انقلابی را که حاکمیت خلق را در عراق مستقر کند ظاهرا میسازد بلکه همچنین به جدال در میان داروستانهای وابسته به ابرقدرتها و باندهای مختلف در میان حکام عراق دامن میزند . خطر انقلاب ایران در منطقه خاورمیانه و بخصوص خلیج بخودی خود رژیم های مرتجع منطقه را لرزاند و است و اینست که شبح یک جریان شورش انگیز در عراق ظاهر میشود پیداست که رژیم های منطقه مانند عربستان سعودی و شیخ نشین ها را چه ولوله و هراسی می افتد و چه چاره اندیشی هایی را به آنها تحمیل میکند . مثلا گفته میشود که عربستان سعودی آماده شده است تا پرداخت هزینه مالی قابل توجهی را بر عهده بگیرد تا بتواند رژیم بعث را در صورت مواجبه با بحران های پس از جنگ نجات بخشد . اینها مایلند

که جنگ را پایان دهند تا رژیم صدام و دیگر رژیم های ارتجاعی منطقه را از خطرات بزرگتر نجات دهند . اما از آنجا که بنظر میرسد عقب نشینی صدام یک عقب نشینی مفتضحانه و توأم با بی انرویی وی در میان مردم عراق خواهد بود ، آنها از یکسو میخواهند تا با شکردهای تبلیغاتی از انتقال درست نتیجه این جنگ به میان خلق عرب جلوگیری کنند و از سویی دیگر با اعطای مساعدات مالی به نجات رژیم صدام بکوشند .

پیداست که موضع انقلاب بیون ایران در این رابطه با پیداد آمدن نبرد بطور سازش ناپذیر با شدت نه تنها مناسق اشغالی از یوغ بیگانگان آزاد شود بلکه زمینه برای گسترش انقلاب بر علیه رژیم های ارتجاعی نیز فراهم آید . ما از مدتها پیش این مسئله را اعلام کرده ایم و رفقای ما با این برداشت در دفاع از انقلاب و میهن جبهه ملی جنگ شرکت کرده و جان با زینها نموده اند . اما باید توجه داشت که آنچه به قوای ایرانی در جبهه های جنگ موضع برتر میشود نه امکانات نظامی نه فرماندهی خوب ، نه وحدت منجمد درونی و خلاصه هیچیک از اینها نیست . آنچه ما را در جبهه ها به جانی ازی و مقاومت دلیرانه میخواند بر خلاف نظریه ای که در میان پاسداران و یارهای از رزمندگان شایع است جدال میان اسلام و کفر نیست ! مسئله این است که ما در برابر تجا و زسرکسوب به میهنمان به یک نبرد عادلانه برخاسته ایم . نبرد عادلانه ای که مقصد آن اخراج متجاوز از خاک ایران و اعمال حقیقی بقیه در صفحه ۱۴

**درباره لایحه**

بقیه از صفحه اول  
 با فعالیت احزاب و گروهها و سازمانهای سیاسی بتصویب رسانده است، که با یدقانونی کردن و مشروع جلوه دادن استبداد در پرده دین نامش نهاد. عجله ای که آقایان حزبی و شرکاء در بتصویب رساندن این طرح و نیز مسکوت گذاردن طرحهای دیگر مربوط به این قضیه از خود نشان دادند، حاکی از تعجیل ایشان در پنهان کردن بساط استبداد دهرهای است که این عده از آزادیهای سیاسی مردم و گروههای سیاسی مترقی دارند. آخر وضعیت حزب حاکم و شرکای او سخت در مخاطره است، و اگر چنانچه قدری غیر رسمی کاری از پیش نمیبرد میباید قیاسی قانون را برتن چماق و استبداد کرد. طراحان این لایحه آنقدر از اصل آزادی بیگانه اند که حتی ابائی ندارند که لایحه پیشنها دیشان با اصل دستبخت خود و اسلافتان نیز منافات دارد. ما حاصل این لایحه که در ۲۵ ماده تنظیم شده است چنین میباشد.

گروهها بردونوع تشخیص داده میشود، دسته اول گروههایی که دارای پروانه رسمی نیستند، و دسته دوم دارای آن میباشد. دسته اول از حقوق تجمع، استعاده از سازمانهای گروهی و تظاهرات منع میگرددند. یعنی اصلا بیخود تشکیل میشوند و نباید شوند. ظاهرا طبق ماده ۶ لایحه هر کسی میتواند بدون آرم و آرمها و

مشی سیاسی معین " گروهی" تا سه سال نماید، لیکن طبق ماده ۷ همین لایحه تا زمانیکه پروانه رسمی دریافت ندارد، از هیچگونه حقی برای فعالیت سرخورداری نیست. گروهی که اصلا نتواند تجمع کند، بیانیهای منتشر نماید و یا تظاهراتی براهمیانندازد، مانند شیرینی میماند که نه دم دارد و نه سردارد و نه تن، یعنی دیگر گروه و حزبی نیست که بتوان حقی برای او قایل شد! این از تکلیف دسته اول.

دسته دوم که دیگر وضعیت بدتر است. لاف اول تکلیفشان روشن شده است، یعنی تشکیل نمیشوند و لذا در سری نیز برای بنیانگذارانش وجود نخواهد داشت. ولیکن دسته دوم دیگر سرورکاش با خود حزب و نمایندگان اوست.

دسته دوم که تحت عنوان کسب پروانه (ماده ۷) از " امتیازاتی" برخوردار می شوند، یعنی " امتیاز" حق فعالیت، طبق ماده ۱۰ همین لایحه میباید پروانه کار خود را از یک کمیسیون دریافت دارند که از ۷ عضو رسمی و مشایرین منتخب ایشان که از میان احزاب موجود! انتخاب می گردند، تشکیل میشود. این اعضاء بترتیب نماینده دادستان کل کشور، یک نفر از کمیسیون امور داخلی مجلس، نماینده وزارت کشور، نماینده وزارت ارشاد ملی، نماینده نخست وزیر، یک نفر مجتهد معتمدی فقهای شورای نگهبان و یک نفر حقوقدان با معرفی حقوقدانان شورای نگهبان میباشد. مشایرین نیز طبق نبره ۲ همین ماده از نمایندگان دعوت شده سازمانها و افراد ما حسب نظر انتخاب خواهند شد.

حقوق و وظایف این کمیسیون سبب طبق همین لایحه تعیین گردیده، بقرائینکه این چند نفر که اکثر نماینده

حزب و شرکانش در دولت کنونی و در شرایط حاضر نمایندگان دولت بطور کلی هستند، تصمیم میگیرند که ام گروه حق دریافت پروانه در واقع حق فعالیت سیاسی و غیره ندارند، و کدام گروه این حق را ندارد و در واقع چه کسی حق حرف زدن دارد و چه کسی ندارد. این کمیسیون میتواند طبق ماده ۱۶ بر تمام فعالیت های گروهها " رسیدگی و نظارت" داشته باشد. در صورت اینکه این چند نفر تصمیم بگیرند گروهی با اب میل خودشان نیست، میتواند نسبت پروانه آنها را منسوخ یعنی همان حق فعالیت را لغو نموده و حکمایشان لازم الاجرا میباشد. در صورتیکه گروه شکایتی نسبت به این تصمیمات کمیسیون داشته باشد، میتواند طبق اصل ماده ۲۰ به دادگاه صالحی که آنرا نیز شورای عالی قضایی برای اینکار تشکیل میدهند شکایت بسرد.

درواقع این کمیسیون هم " حق" میدهد، هم درباره این " حق" قضاوت میکند و هم این " حق" را بیدلخواه باز میستاند و اگر هم تا کی هستید، به دادگاههای که از سلب همین کمیسیون تشکیل خواهد شد رجوع نمان میدهند، تا مجددا همین داستان از نو شروع شود. الی آخر...

این کمیسیون هم دادرس است، هم باز پرس است، هم قاضی است، هم دادستان دولت حاکم است و هم مجری تصمیمات خود. آنگاه اسم این لایحه را هم میگذارند لایحه پیرا سون فلان لیت احزاب و گروهها و... می گویند در جمهوری اسلامی احزاب آزادند و آزادی بیان و عقیده و... محترم شمرده میشود. یعنی ۷ نفر و چندتا هم فکرشان می شوند را با بان آزادی که هر وقت دلشان خواست این کنند و هرگاه دلشان نخواست، آن این لایحه هم ضامن است.

۲۶ و ۲۷ خود قانون اساسی

درباره آزادیهای سیاسی است و هم دست به تشکیل ارتکاب جدیدی میزند که در کنار سه مقننه، قضائیه و اجرائیه، جایی برای خود باز میکند. کار هر سه قوه را نیز در دست خود میگیرد ( دادن اجازه فعالیت سیاسی، نظارت بر آن و حکم بر تعطیل آن ) که این نیز بسا با اصل اصول قانون اساسی بطور کامل و در عین حال مخالفت اصل ۲۵ قانون اساسی است. یعنی تنها دادگاه صالح است میتواند حکم به تعطیل فعالیت یک گروه در صورت تخلف قانون اساسی بدهد. و نه این که یک کمیسیون دست پرورده حزبی حاکم، متهم را مجرم تشخیص دهد، و آنگاه دادگاه، که البته آنهم عروسک حزب خواهد بود، به شکایت " مجرم" بسردازد. همانطوریکه ملاحظه می کنید، کمیسیون کذائی فوق تمام اجزاء لازم برای تشکیل یک قوای ممیزی، یک ساواک نوین در پرده دین و یک دستگاه استبدادی جدید را در وجود مجلس میکند.

اینست معنای آزادی در جمهوری اسلامی از نظر اردوستان حزبی حاکم بر مجلس شورای اسلامی.

علت چیست که آقایان حزبی و شرکاء برای محور آراء بدست آمده توسط توده مردم که ۷۰ هزار شهید و صدهزار زخمی برای آن ایثار کردند اینقدر سراسیمه " قانون" گزار می کنند.

واقعیت اینست که حزب و شرکانش در قدرت از تیرس مردم، دست به چنین کوشش مذبحانهای زده اند. علت در اینجا است که زیر پای حزب خالی است، توده مردم از آن بیخود بانی نمیکند و لذا خیر مردم را برای تشکیل یک دستگاه استبدادی چنین الزامات " قانونی" را می طلبند. کسی

# پرولتاریا و مخالفت‌های لیبرالی

بخشی از مقاله 'تبییح سیاسی و دیدگاه طبقاتی' نوشته: و.ا. لنین (کلیات آثار، جلد ۵، ۱۹۰۲)

برای مطالعه: احراکاران "چپ" و طرفداران صف‌های مستقل  
جسی، که منظور عم‌انگیزی جدائی خود را از حریات با سیاسی  
را چه و حرکت‌های توده‌ای مردم با مستی شوریه‌ای من در آوردی  
تبدارند و در کمراهی می‌کنند.

ترجمه کامل این مقاله را بروی بیرون خواهیم داد.

همچنین بخاطر بیاوریم  
آن گفته‌ها را [ "از بیانیته"  
دمونست" ] که کمونیست‌ها  
از هر جنبش انقلابی علیه نظام  
موجود پشتیبانی میکنند. آن  
گفته‌ها غالباً در معنای  
بسیار محدودی تعبیر میشوند،  
و بمعنای پشتیبانی از مخا-  
لعت لیبرالی گرفته نمی‌شوند،  
لیکن نباید فراموش کرد  
دوره‌هایی هست که هر کشمکش  
با حکومت که از منافع اجتماع-  
ی مترقیانه‌ای برخاسته  
باشد، هر قدر هم کوچک، ممکن  
ست تحت شرایطی (که  
پشتیبانی ما یکی [ از آن شرایط  
است ) به آتش نشان  
همکارانی بی‌در اخیزد. کافی  
است که جنبش اجتماعی بزرگی  
را که در روسیه از درون مبارزه  
میان دانشجویان و حکومت بر-  
مر مطالبات دانشگانی [ آکا-  
دمیک ] فراروشید بیساده  
آورد، یا کشمکشی را که در  
فرانسه میان تمامی عناصر  
نوتیخواه و نظامی‌ها

[ میلیتاریست‌ها ] بر سر  
مخاکم‌های که حکم آن بر پایه  
یک شهادت جعلی صادر شده بود  
برخواست. [ ما برای در پیوس-  
مترجم ] پس این وظیفه خطی  
نا پذیر ما ست که هر اعتبار اص  
لیبرالی و دموکراتیک را  
برای پرولتاریا توضیح دهیم،  
آنرا پشتیبانی کنیم، چه  
کشمکشی باشد میان زمستو و  
وزارت کشور، میان اشراف و  
رژیم پلیسی کلیسای ارتدکس،  
میان آمارگیران و بوروکرا-  
تها، میان دهقانان و ما-  
ران "زمستو"، میان فرقه‌های  
مذهبی و پلیس روستایی، و  
غیره و غیره، آنهایی که  
تحقیرکنان از روی اهمیت  
نا چیز برخی از این کشمکش‌ها  
یا از روی "بی سرانجامی"  
تلاشهایی که برای دامن زدن  
آنها به یک آتش نشان همگانی  
صورت می‌گیرد، سر می‌گردانند  
درک نمی‌کنند که تهییج  
[ آژیتاسیون ] سیاسی  
کانونی است که در آن منافع

حیاتی آموزش سیاسی  
پرولتاریا با منافع حیاتی  
تکامل اجتماعی بطور کلی  
تمامی مردم، یعنی همه عناصر  
دموکراتیک آن، تطابق پیدا  
می‌کند، این وظیفه مستقیم  
ما ست که خودمان را با هر مساله  
لیبرالی وارد سازیم، روش  
برخورد سوسیال - دموکراتیک  
خویش را در فعال آن تعیین  
گردانیم، به پرولتاریا یاری  
کنیم که در حل آن شرکت فعال  
کرده و حل آنرا بشیوه خود، ب  
شیوه پرولتاریائی، تا میسر  
کند. آنهایی که از وارد  
ساختن خویش بدین طریق پرهیز  
میکنند (هر چه که نیا تشا-  
ر باشد) در واقع لیبرال‌ها را  
در فرماندهی و انهاده، آموزش  
کارگران را بدست آنها سپرده  
وسرکردگی مبارزه سیاسی را  
به عناصری تفویض میکنند که  
در آخرین تحلیل رهبران  
دموکراسی بورژوازی اند.

# مسئله جماق‌داری و راه حل آن

(دنباله از شماره پیشین)

## پدیده جماق‌داری در چه شرایطی ظهور میکند و در خدمت چیست؟

عملیات جماق‌داری و تشکیل دسته‌های جماق‌دار در شرایط و دوره‌های معینی از مبارزه طبقاتی در جامعه رواج پیدا میکند. مطالعه تاریخ نشان میدهد که این پدیده در زمان بحران‌های سیاسی و اجتماعی، تزلزل حکومت‌ها و روبروشدن طبقات ارتجاعی حاکم با جنبش‌های نوپای بدیدار گذشته و سرعت رواج و گسترش پیدا میکند. در دوره‌ها و احزاب ارتجاعی و طرفداران استبداد دزمانیکه تمامی قدرت را در دست ندارند و یا ارکان قدرتشان دارای ثبات لازم نیست معمولاً برای مبارزه با جنبش‌های نوپای و درهم‌شکستن قدرت بسیج و تکمیلات مخالفان و ایجاد رعب و وحشت و احساس ناامنی در میان مردم به چاق و چماق‌داری روی می‌آورد و بدینوسیله ساحت سد نظامی جماق‌دار نسبت می‌گرداند. آنها علاوه بر امکانات با ملاحظاتی که در این دوره‌ها و احزاب نظیر ارتش و پلیس و دادگاه و رسان برای سرکوب مخالفان سیاسی رقیب و جمع‌کننده‌های جان‌ساز علی‌الفاعه توسط قوای نظامی و امنیتی و فغانی و امنیه‌ها در دارو-دسته‌ها و احزاب نفوذ و حاکمیت می‌یابند. البته ممکن است پس از وادارنگاه برای حفظ سرسری از اعضا و سرودسته‌های دشمنان جماق‌دار را حلیت و

حاکم‌کنند و حتی گاهی بسه زندان بیفکنند، لیکن پس از چندی با وسالت مقامات "نامعلوم"، که به‌دراودسته‌ها و احزاب مزبور وابسته‌اند، آزاد میشوند و نهانی اشغال و پاداش هم‌میکیرند. اما زمانی که این دارو دسته‌ها و احزاب حاکمیت مطلق خود را تسامین کردند و بیا خود را از بحران و بی‌ثباتی بیرون کشیدند، سکه چماق نیز از رواج می‌افتد و عملیات جماق‌داری به‌رکورد دچار می‌شود. در این زمان دارو دسته‌ها و احزاب ارتجاعی طرفداران استبداد از چماق و جماق‌داری بی‌نیاز شده و مستقیماً و گاملاً بر شوای عادی و با ملاحظاتی که خودشان یعنی ارتش و پلیس محلی و علی‌الوجه دادگاه و زندان اتکاء میکنند.

بعبارت دیگر چماق‌داری و جماق‌داری عمای دست‌نیرو-های سلطه‌گرا استبدادی در جامعه است. طبیعتاً چماق و چماق‌داری نتایج دست‌نیرو-های سلطه‌گرا را می‌آورد. طبیعتاً در این دوره‌ها و احزاب حاکمیت مطلقه، فاشیستی حویتن به‌خریب‌ها و چماق‌داری و تشکیل دسته‌های شبه‌نظامی و متعهد و زمت‌سوز گشت. در روسیه دارو دسته‌ها مسی‌دتراری در زمان بحران انقلابی ۱۹۱۸-۱۹۲۰ (۱۹۱۵) به تشکیل دسته‌های سیاه، که بهانی از طرف قوای نظامی و امنیتی حمایت میشد، مساد-درب‌رورید. در جریان انقلاب-سازان در بحران و سیاسی و حکومتی سده شورده‌مسلانی مراسه دارو دسته‌ها استبداد-طلسان سیاسی در تلاش برای سرسری حاکمیت مطلقه و سادارک‌گوشای عویص به ایجاد دسته‌های سیدهای (سوی فاسوی) را واداش و استمرار عمل می‌کنند. در ایالات متحده آمریکا سران‌سازان آمریکانی برای سرکوب انضباط‌ها و

از بحران و جنبش‌های نوپای و برقراری حاکمیت مطلقه و استبداد این عمارت‌کنندگاری می‌نهند. برای همین است که می‌گویند دسته‌های جماق‌دار جاده‌ها و فغان‌گوشای ارتجاعی و زمین‌ساز استقراری حکومتی استبدادی و فاشیستی هستند. چماق‌پاشنه‌کش چکمه‌گوشایان است.

چماق‌داری را در دوره‌های تاریخی نسبت به دوره‌های بحران سیاسی و حکومتی، انقلابی و جنبش‌های نوپای کشورهای مختلف در تمام پاره‌ها و در همه جا به‌شبه‌مقدمات کودتا‌های ارتجاعی و فاشیستی خدمت‌آورده و عمای دست‌دارو دسته‌ها و احزاب کودتاچی بوده‌است. در آلمان در زمان بحران اقتصادی و حکومتی پس از جنگ جهانی اول حزب نازی در بلات‌خود برای تحمیل حاکمیت مطلقه فاشیستی حویتن به‌خریب‌ها و چماق‌داری و تشکیل دسته‌های شبه‌نظامی و متعهد و زمت‌سوز گشت. در روسیه دارو دسته‌ها مسی‌دتراری در زمان بحران انقلابی ۱۹۱۸-۱۹۲۰ (۱۹۱۵) به تشکیل دسته‌های سیاه، که بهانی از طرف قوای نظامی و امنیتی حمایت میشد، مساد-درب‌رورید. در جریان انقلاب-سازان در بحران و سیاسی و حکومتی سده شورده‌مسلانی مراسه دارو دسته‌ها استبداد-طلسان سیاسی در تلاش برای سرسری حاکمیت مطلقه و سادارک‌گوشای عویص به ایجاد دسته‌های سیدهای (سوی فاسوی) را واداش و استمرار عمل می‌کنند. در ایالات متحده آمریکا سران‌سازان آمریکانی برای سرکوب انضباط‌ها و

و تظاهرات‌های تاکری طی سالهای بحران بورک ۱۲-۱۳۰۸ (۱۳۳-۱۹۲۹) بسه تشکیل دستجات سرکوب-جماق‌دار (بسیک آمریکایی) اقدام کرده‌اند. در کشورهای عربی احزاب بعثی در تلاش برای برقراری حکومت‌های مطلقه، حویص دارای دسته‌های جماق‌دار وادامه بخش خود می‌یابند. در دوره بحران سیاسی-حکومتی انجمن‌سازان و در زمان طاهر شاه گروه‌های مرجع اخوان المسلمین، دستجات فدا عمای و فتنه‌ساز وابسته به احزاب با ملاحظاتی که در حلق و پرچم و فاشیستی دسته‌های جماق‌دار را ایجاد می‌کردند و چماق‌داری سده مقدمه‌چینی کودتا‌های بعدی بودند. در جریان اوج گیری بحران‌های حکومتی در ترکیه عملیات شبه‌نظامی، تحریک و آدم‌کشی دستجات جماق‌دار فاشیستی ترکیه گسترش زیادی یافت. تا سرانجام کار را به کودتای نظامی احسار رساند.

اما در کشور ما ایران امثال جماق‌داران کنونی را در تمامی دوره‌های بحران‌های تاریخ معاصر در زمان‌های غلبه‌های جنبش‌های نوپای جوانان شناسایی کرد. در زمان سرکوب و سرکوب‌کننده‌ها محمدعلیشاهی و آریا‌ساز روسی‌اش به عمای "چماق" و سجان سده‌سویید و تکمیل و نفوذ دسته‌های جماق‌دار و ساداره‌کس در تهران و تبریز و سایر شهرها اقدام کردند. دسته‌های ساداره‌کس مشروطه‌پرور و رهبری سیاسی ملایان و (سقیه در صفحه ۲۰)

بفیدان صفحه ۶

## چماقداری

اگر نسبت نقش چماقداران آن دوره را ایماء میکردند و همگی بنوعی با دربار و ارتجاع سلطنتی متزلزل حاکم را بیطداشته و در ندادارک کودتای ضد ملی ۲۸ مرداد ۲۲ به ایفای نقش پرداختند. اسلاف "فداشیا اسلام" کنونی در آن دوره نیز همین نقش چماقداری رحتی هفت تیرکشی (ترورگری و محمد مسعود و سوء فصد دکترا طمی) را ایفاء میکردند و آلت دست ارتجاع حاکم بودند.

بدینسان گذشته کشور ما نشان میدهد که دسته‌های چماقدار و سردسته‌های آنها همیشه از دست ارتجاع و دارودسته‌های مطلقه کراخیم در زمان بحرانها و غلبان‌های سیاسی و اجتماعی و جاکش کودتاها و ارتجاعی و صدمی بوده‌اند، از اینجا میتوان به نقش دسته‌های چماقدار کنونی و سازماندهندگان آنها، سه نقش حزب جمهوری اسلامی و همداستان این حزب که پشت این جریان چماقداری و عرب‌بده‌کنی دسته‌های با دسه‌اند، کاملاً بی‌سود و بی‌فایده و بی‌کارت و بی‌اواکست.

### چگونه باید بدیده چماقداری میتوان مبارزه کرد؟

در مبارزه با چماقداری دو مسئله مطرح است: یکی مسئله چگونگی مقابله با حمله و هجوم دسته‌های چماقدار به اجتماعات و تشکلاتها و مراکز مختلف جمع‌شده‌ای، که یکی از حوسه‌های ارتجاع و طرفداران آنها در مبارزه با آزادی است؛ دیگری مساله

چگونگی رسته‌کن ساختن پدیده چماقداری در جامعه جلوه‌ای از کشاکن استبداد با آزادی میباشند و به ترتیب است این کشاکن مربوط میشود.

طبعاً در مورد مسئله دوم روشن است که برای ریشه‌کن ساختن پدیده چماقداری در جامعه باید عوامل و موجبات آنرا از میان برداشت و این عوامل و موجبات در راجع و ارتجاع و دارودسته‌های وابسته به طبقات ارتجاعی، و در آزادی عمل و اعمال نفوذ قدرت‌های امپریالیستی و سوسیال امپریالیستی که به این دارودسته‌ها اتکاء می‌کنند، خلاصه میشود. به عبارت دیگر تنها برای ریشه‌کنی آزادی بر استبداد و عوامل داخلی و خارجی آن، براساس سرنوشتی دارودسته‌های ارتجاعی طرفدار استبداد و سرکوب آنها در جامعه و انتقال قدرت به مردم، میتوان به چماقداری در جامعه سیرخاتمه داد و سرچشمه آنرا خشک کرد. وگرنه ما دامکه بر تجمیع در قدرتند، ما دامکه دارودسته‌های از ماس حزب جمهوری اسلامی حاکم باشد، چماقداری هم‌سنان و عصای دست آنها بکار خواهند بود. تا آنکه تکلیف خود را با آزادی و انقلاب بیکر نکنند و ارکان حکومت مطلقه خویش را سازمان دهند.

اما در مورد مسئله اول بعضی در مورد مسئله خاص مقابله با دسته‌های چماقدار در وضع موجود دفع و سرکوب آنها دو نظریه اشراقی می‌شود. اول آنست که در هر چه هم دارد، یک نظریه است که برای مقابله با این دسته‌ها باید به ارکان نهایی انضامی و فقهی موجود در جمهوری کوشید و ادعا کرد که در صورتی متوسل شویم از آنها مدد گرفت، این نظریه در جامعه سرکشا دهه اخیر احمد خمینی و در بیانات

بسیاری از مخالفان این جماعت کشتی‌ها که بنوعی سا دستگاه مربوطند کاملاً بچشم می‌خورند، ولی در میان سایر جریانهای سیاسی مخالف ما نند سا زمان مجاهدین خلق نیز رواج دارد (به علامیه‌ها - نشان نگاه کنید)، نا درستی و اشراقی بودن این نظریه از آنجاست که ارکان نهایی انضامی و قضائی موجود خود بنوعی با این دسته‌های چماقدار مربوط بوده‌اند و این دسته‌ها بدون حمایت علنی و مخفی این ارکانها و تضمین مصونیت سیاسیشان توسط مقامات انضامی و قضائی و ما حیثان قدرت که پشت تمام چماقداری‌ها و عرب‌بده‌کنی‌ها هستند هیچگاه دست به چنین کارهایی نمیزند و نند و جرئت عمل پیدا نمیکنند. چگونگی قوه قضائیه، کشور که در درازس آن آیت اله بهشتی، یعنی رئیس کل همه این جماعت کشتی‌ها و سرخدار دسته‌های چماقدار با مطروحان "حزب الهی"، بنسخته می‌تواند علیه این دستجات و هنگامه - آفرینی‌ها پیش اقدام به اصطلاح فاشونی کند؟ چگونگی کمیته‌ها و پاداران این کمیته‌ها، که زیر نفوذ و سلطه سازماندهندگان این دسته‌ها میباشند و به حزب کذائی وابسته‌اند، نمیتوانند به مصری قانون علیه چماقداری تبدیل کردند؟ و غیره. نظریه اشراقی یاد شده، که به توهم توده دربار به اصطلاح بنظر منی این ارکانها و "حسن نیت" مقامات یاد شده‌ها من میزند، مردم را از مبارزه اساسی، از ریشه‌های پدیده چماقداری در کشور، از مبارزه ریشه‌های عوامل استبداد و ارتجاع منحرف ساخته و آنها را به سر خوردگی و نومیدی سیاسی کشکشد.

اما نظریه دیگر اینست که برای مقابله با این دسته‌ها (نقشه در صفحه ۸)

**چماقداری**

بقیه از صفحه ۷

با بیدار شدن تشابهی بوجود آورد و با مطلق مقابل به مثل کرد؛ بدینسان نکه گروه‌های سیاسی برای مقابل به هجوم دسته‌های چماقدار سه تشکیل دسته‌های مشابهی پرداخته و به زد و خورد با آنها، تلافی جوی شدی و دفاع و حمله گروهی بطور جدا و گسسته از جنبش تسوده‌ای اقدام و ورزند. این نظریه نیز در میان گروه‌های چماقداری هوادارانی است (حتی سازمان مجاهدین نیز گاه از آن نظریه اول باین نظریه دوم گرایش پیدا میکنند) ما درستی و انحرافی بودن این نظریه هم را آنجاست که دسته‌های چماقدار که از طرف مقامات و ارکانهای حاکمه تعیینی حمایت میشوند در هر حال دارای قدرت مقابل به پیشرو بوده و این شکل از درگیری با آنها از حمله و هجومشان نمی‌کاهد، بلکه افزایش میدهد، علاوه یک هدف این دسته‌ها و در واقع هدف سران پشت پرده آنها همانا کشتن گروه‌های سیاسی به مقابل به مثل، به سدان کارراری جدا از تسوده‌ها و حرکت سوده‌ها، سپس سرکوب آنها با دخال سوای ما مطلق فاسوی اسطامی و کمیسر و عمده بسپا سه، حفظ نظم و امنیت برای مردم میباشد. این نظریه تجربی مسئله، خاص مقابل به چماقداری را از مسئله، نام و اساسی مبارزه با طرفداران استبداد دسرفترت سیاسی و نظامی کم‌برخا متعنه

جدا میکند، بیروان این نظریه غالباً در هر دو زمینه، یعنی هم در مسئله خاص، مقابل به چماقداران و هم در مسئله اساسی مبارزه با استبداد و برسر قدرت، اشتباه میکنند و پیروزی در هر دو زمینه را نتیجه مبارزه منسردگروه‌ها و با مطلق پیشا هتکان جدا از جنبش تسوده‌ای می‌پندارند؛ حال آنکه هم‌انطور که تسوده‌های مردم (طبیبان زیر رهبری گروه‌های بینا هتکان) قادر به زدن استبدادند، هدیسر تسوده‌ها نیز میتوانند مقابل به موفقا نه با چماقداران بیرون دازند. بدیده ما تنها راه مقابل به حمله و هجوم دسته‌های چماقدار روودع و سرکوبشان همانا توسل به تسوده‌ها خصوصاً به کارگران است؛ همان‌طور که در کتاکش عمومی میان آرادای و استبداد دسرفترت عرصه‌های مبارزه طبقاتی و ملی تنها تسوده‌های وسیع مردم و در پیشا پیش آنها طبقه کارگر کارساز میباشد، تجربه جنبش کارگری در سالهای زمانمداری ممدق و همچنین تجربه مبارزات رات تسوده‌ای زمان مشروطه نشان میدهد که اقدام تسوده‌ای، مقابل به تسوده‌ای، حمله و هجوم تسوده‌ای میتواند حمله و هجوم شرار و ویش چمان دست، مبارزه بید و هفت نیرکت را در هم بکوبد و در عین حال مقامات با مطلق قانونی پشت اسن فضا یا رادروبع بدی فرار دهد و پرده ظاهراً اصلاح آنها سردر و پاره کند. همگان می‌کند کارگران در اسوده خود حرکت کنند و در جلوی دیدگان هاج و واج سران انحراب ارتجاعی و مقامات اسطامی و فضا شی با مطلق حافظان نور، که پیشوری برای این "فانوس" هم‌ارزش‌ها مثل نیستند، اسن در اسوده‌های چنددهه‌مقره چماقدار را کوشیالی حساسی دهند و با مشت و لگد تسوسوی

**کمکهای مالی دریافت شده**

شهر	کمک دریافت شده	کد
آمیل	۲۰۰۰ ریال	ک
"	۱۰۰۰	ش
"	۸۵۰۰	الف
"	۱۲۰۰	رفیق کارگر
سابل	۲۰۰۰	ج
بهمن	۵۰۰۰	م - الف
تهران	۱۱۰۰	م - ۵۷
"	۳۰۰۰	ک - ۲۰۰
"	۷۰۰	م - م کارگر
"	۲۰۰	یک هوادار
"	۱۲۷۰۰	ش - ج ۱۱
"	۴۰۰۰	الف ۱۲۲۶
"	۱۰۰۰	ش ۱۱۱۷
"	۲۰۰۰	ه
"	۱۰۰۰	م
شیراز	۲۰۰۰	۱۰۰ - د
"	۲۰۰۰	صدیق - ج
"	۱۰۰۰	فاطمه - ج
"	۱۵۰۰	پری - ن
"	۱۲۰۰	فرشاد - ج
"	۱۵۰۰	عباس - ج
"	۱۰۰۰	محموده
"	۲۰۰۰	رت - ۱۰۰
شوشتر	۴۰۰۰	هواداران
کرمانشاه	۱۰۰۰	ن - ی ۱۱۱
سجد سلیمان	۱۲۰۰۰	م - ۴
"	۳۰۰۰	ب - ۴
"	۱۷۵۰۰	ک - ۴
"	۹۰۰۰	س - ۴
"	۲۰۰۰	ب - ۴
"	۱۱۱۰۰	ن - ی - ۴
"	۹۰۰	رفیق کارگر

رفیق کارگری از تهران برای پیشبرد امور سازمان حاصل کار روز حیات شما نه روزی خود را کدیس انداز کرده بودید میلغ ۱۲۰۰۰۰ ریال بدسازمان هدیه کرده است. عده‌ای از رفقای هوادار را تحذیر در جنبه‌های جنگ آبادان مبلغ ۱۴۰۰۰ ریال بدسازمان کمک کرده‌اند.

**مجاهدین**

بقیه از صفحه ۲۲

جمهوری ندارد ثابت میکنند. طبق ایران خودسری بسط کردستان نمیزنند و از نزدیک با و افعیات آشنا نمی‌شوند، تا دیگر مجبور نشاندن با از "پوموند" و "بی بی سی" و یا از خود "قاسملو" در باره حروب دمکرات برای خوانندگان نشان اطلاعات جمع آوری کنند؟! البته اگر دلیل این حرکت انحرافی فقط "بی اطلاعاتی" باشد!

جمهوری ندارد ثابت میکنند. طبق ایران خودسری بسط کردستان نمیزنند و از نزدیک با و افعیات آشنا نمی‌شوند، تا دیگر مجبور نشاندن با از "پوموند" و "بی بی سی" و یا از خود "قاسملو" در باره حروب دمکرات برای خوانندگان نشان اطلاعات جمع آوری کنند؟! البته اگر دلیل این حرکت انحرافی فقط "بی اطلاعاتی" باشد!

دها شان بکوسند آنگاه آنها حساب کار خودشان را خواهند کرد و همچنین عرصه اصلی مبارزه اساسی در جامعه را این کارهای



# در حاشیه مصاحبه بلبل سخنگوی دولت دربارهٔ اعتصابات کارگری

باشد در عدد پرتقال، بقیه ۴۰ ریال بچینید، پس از برداشت سوویزه، بعلت تورم قیمت دو عدد پرتقال ۶۰ ریال خواهد شد. در صورتیکه مبلغ سوویزه در یافتی سوسیه، کارگران مبلغی نخواهد سود تا این مابالتفاوت را بپردازند!!

چطور است آقای بهزادنبوی همانطوریکه برای آمریکاسا چرتکه نیا نداشتند برای ما کارگران هم چرتکه نیا نداشتند چون با سطح ایشان بهترین راه برای مبارزه ما تورم این خواهد بود که اطلاع کارگران، مردن دهند و بگذارند تا اگر سنگی بمیرند. مگر غیر از این است که ما برای مادیات انقلاب نکرده ایم!!

می بینید. جناب بهزادخان با محتکرین، کران فروشها، واسطه ها، دلالها، و سرمایه دارها و غیره که همه از دزدهای سرگردنه بدترند کاری ندارند دست آنها را بازمیگذارد. قافلله بدبخت را میکشد تا در سرگردنه دزدی نشود!!

سه شنبه ۱۹ اسفند ما آقای بهزادنبوی سخنگوی دولت است مکتبی و مجری سازش سنگین با "شیطان بزرگ"، سعدا زاحسار شب در تلویزیون مصاحبه ای داشت که اینبار چهره واقعی و گرایشات طبقاتی و طبنت مدکارگریش را بوضوح نشان داد.

حبرگار صدا و سیما ای سانسورا زان بشان پرسید: "گویسا در بعضی کارخانجات را اعتصابات را اعتراضی وجود دارد. دلیل و باعث این شنجات چیست؟"

آقای بهزادنبوی در مقام پاسخ برآمد. آسمان را بسایه ریسمان گره زده. طرح توطئه آمریکا را تصویر نمود. ارفعالیت ستون پنجم در کارخانه ها سخن بمیان آورد. سرنخ های فدا نفلای سی را نشان داد. وبی اهمیت بودن و قلیل بودن اعتصابات و اعتراضات را ذکر کرد. او گفت فقط در شرکت واحد کوشش مکتبی عده ای از کارگران دست به اعتصاب زدند که آنها هم در مقام بسیل حرکت فاطم و منطقی دولت قانع شده و به سرکارهایشان بازگشتند.

چون فکر کردیم جناب بهزادخان، بعلت شرکت در مجالس متعدد بین المللی برای زمینه چینی سازشهای شرم آور نیستوا - بسته اند اطلاعات موثقی از اوضاع جنس کارگری بدست آورند، لذا تصمیم گرفتیم شمدهای از اطلاعات محدود خود را بسم کارگشان برسانیم تا بدانند اینه توطئه و فعالیت "فدا انقلاب و ستسون پنجم" همه گیرتر از آنست که این جناب میپندارند.

اولا: در اکثر کارخانجات و مراکز تولیدی و خدماتی کشور با طر عدم پرداخت سوویزه و دلایل دیگر که همدا ز سر مدقه دولت شجاست اعتصاب و اعتراض و درگیری وجود دارد. خوبست سری به شهر صنعتی البرز در قزوین بزنید و ببینید در آنجا چه میگذرد.

ثانیا: کارگران اعتصابی چه در کفش ملی و شرکت واحد و چه در هر جای دیگر و اقا چهره واقعی و منطقی دولت شما را دیده اند و میداند چگونه ضرب چماق و ژ-۳ و دستگیری و به زندان انداختن، صورت مکتبی قانعشان کرده آید. اطلاعات نشان را از کفش ملی عمیق سرودنیج شرکت بدست شما پدیده مورد بحث چماق در حش کارگری سربانان روشن نمود.

ثالثا: سون پنجم و توطئه گرانیکه شما را آبا صحبت می کنید، طبقه کارگراست که قصد دارد چماق بدستان و ستم گرا سیکه سخی گویا بشان مثال شما هست سرگون کنند.

آقای بهزادنبوی در ادامه مصاحبه اش تجلیلی هم در ساره علت سیردا حسن سوویزه داشت که اتفاقا اسی تحلیل و دلنسیل آوردن درس حرفها نیست که امربا لیستها و سرمایه داران برای شرمه مالیدن به سرکارگران در سطر ایشان پرداخت سوویزه سه کارگران ساعت تورم و گرانای درجا معده شده فقط یولی اربود حبه دولت سنجت محنگریس سرازیر میشود و گرنه بحال کارگرفس سرق نمیکند که این پول را بگیرد یا نگردد چون در هر صورت بعلت تورم قدرت خرید کارگران اگر کم بشود تا سب سیمانند. سیرا دجان برای شیرم کردن شویدگان و بسیندگان مثالی هم زد.

جان داداش فرمودند: سفری اگر کارگران امروز قسار

## اخباری از کردستان

✽ سنندج - در روز ۲۲ بهمن سالگرد انقلاب ارگانهای حکومتی بجای پاسخ به خواسته های مردم و محل معضلات کردستان تا نکنها و تویبها و نیروهای انتظامی را در خیابانها سه رژه در آوردند و با همزاهای چند صد نفر از عوامل خوبی به نمایش قدرت پرداختند این نمایش به تنها نتوانست مردم را جلب کند بلکه هیچ رغبت و وحشتی هم در دل مردم ایجا نکرد و جوانها در کوچه ها و هر جا که امکانش بود با خواندن سرودهای انقلابی و ملی سالروز ۲۲ بهمن را گرامی داشتند.

✽ سنندج - در روز ۲۱ بهمن دانش آموزان دبیرستان خدمات سیاست گرامی داشت ۲۲ بهمن در مدرسه اقدام به خواندن سرودهای انقلابی و ملی نمودند. مسئولین آموزش و پرورش در مقاله با این حرکت انقلابی دانش آموزان دبیرستان را بصدت ۱۰ روز تعطیل نمودند و کلاسهای اول و دوم را منحل کردند.

✽ مریوان - ستونی از نیروهای دولتی در روستای "تیژ تیژ" مستقر است. در روز ۵۹/۱۲/۶ بدون هیچ دلیلی حدود ۱۸ کلوئه نوب به روستای "کلاته" که در حوالی ستون مذکور قرار دارد شلیک میشود. زمانیکه از طرف یکی از پاسداران به این عمل فرمانده ستون اعتراض شد، فرمانده این ستون که افسری با مرحبمی میباشد و یکی از افرادی بوده است که در اکثر سرکوبهای مردم در زمان رژیم شاه دست داشته است، این مرد در جنگ سنندج هم یکی از نمایین توب ساران شهید بود است، به پاسداز معترض شیرترین توهین ها روا میدارد.

✽ سنندج - در ۳ بهمن ماه سالگرد شهادت کاک وریسا مدرس را اعضاء اتحادیه کمونیستها، علیرغم فشار و خوفان موجود در شهر، یاران وی و تعدادی از مردم با سرن تاج گل سرزارش خواندن سرودهای انقلابی یادوی را گرامی داشتند.

✽ سنندج - در تاریخ ۵۹/۱۱/۱۴ سه نفر از افراد مسلح حزب دمکرات به سرپرستی "شیردیلنگانی" که از مسئولین حزب می - عقبه در صفحه ۱۱

# کارگران بسلاو

## مجروحین جنگ

خواستند که ترتیب رفتن آنها را فراهم کنند. بالاخره ثورا رضا است داد. نوروشوق غیرقابل وصفی امروز در بین کارگران زن ایران کارخانه بود. زنان دست‌دهسته برای رفتن دیدار زخمیان نبودند. نام می‌کردند. و مدوه ۶ تن از زنان شست نام کردند البته تعداد بیشتری خواستار آمدن بودند ولی ثورا فقط یک سرویس در اختیار کارگران گذاشت. بعد از خوردن غذا کارگران سوار سرویس شدند و به بیمارستان امام خمینی ( هزارتخت‌خوابی سابق ) رفتند. در طول راه کارگران مقدار پولی برای خریدن میوه و شیرینی برای آنها جمع آوری کردند که در حدود ۶۷۰ تومان پول جمع آوری شد که صرف خرید کمپوت برای بیماران گردید. در بیمارستان کارگران صمیمانه از بیماران دلجویی می‌کردند و از وضع آنها که در کدما میک از رگها شده اند و در کجا زخمی شده اند و غیره جویا می‌شدند. تعدادی از آنها از شدت ناراحتی گریه می‌کردند، که کارگران دیگر از آنها می‌خواستند که در پیش چشم زخمیان خود را نشان دهند. قبل از رفتن فرصت طلبانی چون چریک‌ها سعی داشتند که به کارگران بگویند به بیمارستان مصطفی خمینی ( میثاقیه سابق ) برویم که از قرار معلوم این بیمارستان گلچین گردیده، و یک سال رنیز بعد از نماز جمعه نمازگزاران به این بیمارستان برای عیادت رفته‌اند. هدف آنها نشان دادن اینکه دولت چه خدماتی را در حق این مجروحین انجام داده است بود. در صورتیکه در بسیاری از بیمارستانها زخمیان از رسیدگی نشدن به وضعشان بسیار ناراضی هستند.

فرار است که با ردیگر در آینده بسیار نزدیک کارگران زن این کارخانه به عیادت بیماران در بیمارستان دیگسری نیز می‌روند.

جنگی که در حال حاضر گریبانگیر خلق قهرمان ایران است، با وجود بی‌باز آوردن تلفات جانی و خسارات بسیار در عوض معیار رومحکی برای غربال و نشان دادن با هیئت طبقاتی بسیاری از اقسام و طبقات جامعه ما گردیده است. این جنگ باعث شده بسیاری از فرصت‌طلبان و فداکاران انقلابی که خود را انقلابی جا زده بودند، همت واقعی آنها برای نوده‌های خلق آشکار گردد. و بالعکس ما هیئت طبقاتی انقلابیون نیز برای هدگان نشستان داده شود.

طبقه کارگران ایران نیز به عنوان پیشرو و انقلابی ترین طبقه رسالت خود را به ثبوت رسانید. او با نشان زدن دهها شهید و جانفشان بسیاری نشان داد که از خود گذشته ترین طبقه نیز می‌باشد.

از ابتدای شروع جنگ از تمام کارخانه‌های ایران کارگران چه بصورت داوطلبانه و چه بصورت منقضي ۶۰ دسته دسته راهی جبهه‌های جنگ شدند. و حتی از دادن هرگونه کمک نقدی با وجود در آمد کمشان دریغ نکردند. و اینک نیز با وجود سوارش کاربها و انحصار طلبی‌های دولتیان با زینت از زیبای شناسیده و به مبارزه اش همواره ادامه می‌دهد. در کارخانه کشتن جم که از مجتمع کشتن بسلاو نیز از ابتدای جنگ کارگران دسته‌دسته راهی جبهه‌های جنگ شده اند و تا بحال ده شهید نشان را انقلاب خونبار ایران کرده‌اند. که از تعداد این ده شهید ۳ تن آنها از کشتن جم می‌باشد.

و اینک نیز پس از گذشت ۴ ماه از شروع جنگ روحیه انقلابی‌سان حفظ گردیده است. از چند روز پیش تصمیم بر این شد که کارگران زن این کارخانه در طول ساعت کارخانه بسیاری عیادت زخمیان جنگی به دیدار آنها در بیمارستانها بروند. برای این کار آنها این پیشنهاد را به ثورا کردند و آنها

### نامه به حقیقت، از کارآموز

من یک کارآموز هوادار " حقیقت " هستم. با هدای راکه سرابان مبرستم مربوط به وضع کارآموزی نم‌سره ۲ سرسبز ( واقع در خانه سردرود ) می‌باشد. در این کارخانه مدت یکسال و اندکی است که تعدادی مربی بدون هیچ واسطه‌ای ( یعنی به‌رور مزد دهند، به‌رسمی، به‌پیمانی و نه چیز دیگر ) کاری می‌کنند. بر بیان برای روشن شدن تکلیفان و رسمی شدنشان یک سال است که تلاش بی‌کندولی هر دفعه تا سعی روبرو می‌شوند.

اما من مدت یکسال است که با کمترین حقوق ( ۱۲۰۰۰ ریال ) کار می‌کنم. حدین دهنده‌ها اسناداری سرپرست‌ها دولتی فقط قبول داده‌اند که اسناد می‌کنند ولی هر دفعه که مرود می‌شوند کذب و دروغ می‌گویند. آنها با یکای شده‌اند. مدیرعامل این کارخانه بود نام عبدالوهاب درمائی که فردی ساواکی بوده و یکبار دستگیر شده که توسط مقامات بلند پایه، سرپرست راننده‌هاست. اسنان سما بعد از احضاری کا عدسپهای کلینیکس در آنرا بیان می‌کنند. این کاروان سما تا بشگاه مسئولین وسی سرپرستان سیر می‌شد. رئیس صدوی کارآموزی ایران فردی با نام مهدیس جعفری

است که به دستور ایشان حق کارآموزی مدت چند ماه است که قطع شده است. کارآموزان برای گرفتن حق خود تعدادی تظاهرات استغاب کرده‌اند. مدیرعامل این کارخانه چند روز پیش عوی شده شخصی بنام (مددی) به‌حای درمائی برگزیده شد. وی در اولی سحرهای خود گفت: آقای درمائی یک نفر انسان دوست بوده و در حق معلولین کمک کرده ولی من فردی مکتبی و مذهبی هستم و روند ما سیر مکتبی خواهد بود.

در این کاروان سعادت مفتخوار هست ( مانند مهندس حیا - بی ) که کوچکترین کاری انجام نمی‌دهد و از صبح تا عصر می‌گذرد و چهار، پنج برابر مریبان حقوق می‌گیرد و اکنون با مدیرعامل جدید هم دست ندهد و مزدا خراج همه مریبان است.

موفق باشید دوست کارآموز شما از سرسبز  
سرک بر آمریکا دشمن اصلی خلق ما!  
سرک بر اسر قدرت‌های آمریکا و شوروی غذا رترین دشمنان بنسرسیست!

سرک برجین صدا انقلابی و تمام امیریا لیستهای دیگر!  
زنده‌سازان انقلاب به رهبری طبقه کارگران!

# متحد شوید و زمینهای را که مصادره کرده اید در

## مقابل توطئه فئودالها و حزب جمهوری

### حفظ کنید

روستائیان زحمتکش :

بدنیال توقف اجرای

بند "ج" که بنا بدستور بهشتی ،

منتظری ، مشکینی ، و با تائید آیت الله خمینی صورت گرفت بتمام دادگاههای انقلاب اسلامی ابلاغ کرده اند که تمامی زمینهای شما را که دهقانان یا هیئت های هفت نفره از مالکان مصادره کرده اند به مالکان بازگردانند .

بدنیال این جریان مالکان و فئودالهای ظالم که سال های سال به دهقانان زورگشته اند و میگویند دور هم جمع شده و در پی توطئه جینی بر علیه دهقانان میباشند ، برای مشال در منطقه سرحد چهاردانگ مالکان معروف : عبدالهی ها ، فتح الله خان ، جیانگیری (ساواکی معروف) ، عزت الله خان ، فتح الله خان ، شهبازی ، حاجی امان دوست محمدلو ، میباشند و از دادگاه انقلاب حکم گرفته اند که دهقانان باید زمین های این مالکان را پس داده و از کشت بهاره خود مالکان اقدام کنند . همچنین دادگاه انقلاب بدینر عزیزان خان قوامی بررگترین فئودال فارس و همسالکی شاه گفته است دو میلیون تومان پول بدهید تا زمینهای شما را که دهقانان مصادره کرده اند پس بگیریم و بنیبر باقی را در سیدان که بینه از هکتار میباشند متعلق به عمریر الله خان بود و باریه به برتر پس داده اند . همدان خیرساز یکطرف و طرف دیگر بعد از توقف شدن بند "ج" و اجرای توطئه های هیئت بر علیه دهقانان از طریق دولت و با همدستی مالکین ، دهقانان صدای اعتراض خود را بلند کرده و بر علیه این دسیسه ها به معارفت بلند شده اند و با اجام نظرات مدور قطعنا مع و غیره دست به مبارزه بر علیه این توطئه ها زده اند . مثلاً شوراهای روستاهای بلوک کمین برای مطالبه با نقشه مالکین که پس گرفتن زمینهای دهقانان بود در صوامع آباد گرد هم جمع شدند و قرار داد که حواسندهای خود را بطعنا بهای سر بسوزان قطعنامه را در ادبوتلو سر برین بدهند تا بحر سود و هوسه مردم را آن با اطلاع شود . مهمترین حواسندهای آنان عدم خالصت از امدار مری در کار ریس ، سرکناری بختدار مرودست ، اجرای کامل بند "ج" و غیره بود . اما رادینلو بیرون که در انحصار حزب جمهوری است بحدی بخش این حواسندهای سرخ ، کشنده بود که سوراخهای بلوک کبکی حمایت خود را از جمهوری اسلامی اعلام کرد و بدولت قطعنامه را بطور کلی با سرگردانده ، این جریان با ان بدهد که را در دولتی بر بون که یک سازمان دولتی است مابعد دیگر سازمانهای دولتی ، اسناداری ، فرمانداری ، زاندار مری ، مجلس و همدسه از کابینه دولتی اردهقانان حمایت میکنند بلکه خاسی مالکین هستند . دهقانان باید خای بکبه براس سازمان های دولتی بسر روی بیروی خود و اسخا دوهستگی خود حمایت کنند . روستائیان عمریر :

خودشان را حزب جمهوری به اجرا میگذارند . با بیدر مقابل تمام این سرنا مهها مقاومت کرد و اجازه نداد که مالکین مفتخور را بر دهقانان زحمتکش حاکم کنند . روستائیان زحمتکش :

آمریکا طرفدار فئودالها و مالکین میباشند و مبارزه شما بر علیه فئودالها و مالکین در حقیقت یک مبارزه ضد آمریکا است و هر کسی که بخواد هدجلو این مبارزه را بگیرد به آمریکا کمک میکند و خود ما دولت که در مقابل خواسته ها و مبارزات شما ایستاده است و در حال سازش با آمریکا میباشند . چنانچه این سازش را بر سر مسئله گروگانها دیدیم و همه مردم ایران دیدند که چگونه حیثیت و شرافت این مردم را فروختند و گروگانها را آزاد کردند حالا هم با پس گرفتن زمینهای دهقانان و حمایت از مالکین و فئودالها ، خیانتشان به انقلاب و زحمتکشان ایران را کامل میکنند .

روستائیان زحمتکش :

شما با بدبهره و سلبه ای که شده صدای اعتراض خود را بگوش مردم سرانیدنا دردم ز خواسته ها و مبارزات شما و توطئه های که بر علیه شما انجام میشود با اطلاع شوند . با بدبهره و سرکوشی های زاندار مری که همیشه عا مل دست مالکین و فئودالها بوده و هست مبارزه کرد . زمین حسیق شماست و حق گرفتنی است نه دادنی . برای گرفتن حق خود متعهد شوید .

با بودیا دتوطئه های مالکین و حزب جمهوری اسلامی بر علیه دهقانان رحمن کنی  
زمین از آن کسی است که روی آن کار میکنند  
( " یاران انقلابی دهقانان فارس " - اسفند ۵۹ )

### علاء جناداران حزبی ....

سبح و اصولی از جانب هواداران نیروها ، با افتخاری مردم از آنها دفاع بره حیزند ، و سالها ز پیداکوچک دعوا بین شما قدر و سازند ، دستبزرگ بر ما ز ره بیه مردم و جناداران سخل میکردند ، که در اغلب موارد جناداران سخته را خالی میکنند . اس امر با طرد برت و انزجار بر حق مردم را آزادی کشی است که بدست انادی و عوامل رسمی و غیر رسمی حزب جمهوری اعمال میکردند .

### اخباری از کردستان ....

با سدر خاطر مهاد از قبیل گلوله آری جی ، بین خداتنگ ، شنگ کلاشینکف از خاک عراق وارد کردستان ایران کردند و بیه روستای " بلکان " آمدند و مردمی که در این روستا و روستاهای منطقه " زواره " بودند ضمنی از سنگهای کلاشینکف را فروخته و سفید را به نفرهای حزب حمل نمودند .

## آمریکا

در یک منطقه کشت انگور در ایالت کالیفرنیا در بخش مندوسینو در آندیشتری از کشت و فروش گیاه ماری جوانا (گیاهی که برای تهیه مواد مخدر مورد استفاده است) پسند دست مبادی کشت انگور برای تولید شراب. در اینجا در سال ۱۹۷۹ میلادی ۹۰ میلیون دلار برای جوانا کشت کردند. از بدو اعتلای جنبش جوانان و دانشجویان بر علیه جنسک آمریکا در بیننا متوسطه مواد مخدر یکی از حربه های پیروز اهمیت هشتاد و نه آمریکا برای مسوم نمودن و بی ثباتی و ت نمودن جوانان سوخته است. در واقع رهم کتون کمیانی های سیکار سازی در آمریکا بدون تعصیل پروانه تولید سیکارهای ماری جوانا برای فروش در بازارهای آمریکا سرخاسته است.

## وینتام

ظواهر روابط حسنه آمریکاییان کرملین و رهبران حزب دولتی وینتام با دوا ربه های جدیدی روسیه. کر چه وینتام با طبخ خاطر آسپه را که میگویند حواسه مخصوصا در کا صوح انجام داده و لیبی سرور وینتام همک با رمالی سردس سوروس. انحصار وینتام میهمر همه مردم این کشور در سطح با این معانی قرار دارند. سوروی ها روسیه ۲ میلیون دلار صرف میکنند که اروپایی کامل اقتصاد وینتام جلوكسری نامند. در زمانیکه بحران اقتصادی در کشورهای وابسته سوروی افراسین میسند، بحمل رورانه

# اخباری از سایر کشورها

دستگیری و رسیدنی کسردن متهمین را بدون اجازه ملا - با با وکیل خود را میدهد اعلام داشته اند. این مانسون یکی از مواردیست که در مورد دستگیری و شکنجه آزاد بخوا - هان با سک مثل جوزداریا کوا کدبه مرگ وی مجرسان اعمال می شود.

## حیله های جدید امپریالیسم برای غارت خلقها

کنترسیومی مرکب از سد کمیانی معظم سرمایه گذاری "رادران لنن - کون لوئیب نیویورک"، "پارسیاس لندن" و "لازار در ریپاریسی نیویورک" به یک طرح جدید برای "حل کردن" مسئله و امهای کشورهایی عقب نگاه داشته شده رسیده اند. فلسفه این طرح جدید امپریالیستیا برای اصل استوار شده است که کشورهای به فاره مسوا استنبول و امشرا را روس سات با یکی کشورهای امپریالیستی فرضی نما بندولسی آلیا "نمده است" که با این و امها را چگونه مصرف نما بند در ضمن ما در به سایر احباب اس و امیا میکنند. با سراسر اس حصارا محافظ ما مسیح امیرا لیسما ما دکی کا مل خود را برای در اختیار گذاشتن در ما نشان در مورد بدنه حکومت های و امها مصرف برسند اعلام نموده اند. با سایر دیگر امپریالیستیاها و امرا با کشور های عقب نگاه داشته شده می - سر دارند و بدین شیوه جریس در آنجا مصرف میرا بندوسین آبرالیننه با بهره مورد نظرسین خواهند گرفت و دوباره وام های جدید در اختیار میسند وانی آخر ... در اس مسورد (شماره در صفحه ۱۳)

داده اند. مردم با سک بر علیه این همسار و ره کرده است و با زمانهای سیاسی خود را به وجود آورده اند که برجسته ترین آنها (ETA) است که یک سازمان ملی با خط می جریکی است. نسیبند صسار احتیاقی مردم با سک سخنرین مردم بین منطقه اعتسلائی ناره ای نخسده است. جسیس مردمی برای بر صمت ساختن حقوق مردم با سک (خصوصا پس ارتقل حوزه را با کوا عصمو سازمان اتا) بدست پلیس اسیا سا از چنان رتد خدمتگری بر جود دارند که مرتجع بیسیس حاکم در اسپانیا برای بسک مداحله نظامی مستقیم در این منطقه بیروهای خود را بسج نموده اند.

مسارزه مردم با سک ما هست بلیدفا سدوا سبسنی پلیس طرفدارا سسکوی اسانیا را عربان کرده است. س ارفق در ب رسیدن حیوان - کالوس در انگلیس و روسا بحال سنی از ۷۵ مورد شکنجه توسط پلیس گزارش شده است. امها - کریهای از پلیس سرکوبگر چیره "البرال" نمای بلهت اسانیا را احدها رک کرده است. با اصطلاح مساهروهای اسپاسا راست روان با سک هیچسین سازمان اشنلاف ملی مسعود سربا سربزی برای مصالحه در مورد حقوق مردم با سک میسند. هم اکنون دولت اسپاسا که درسی نبات سیاسی برای مواجه ما بحران سسسنی امضای است، وادار میگردند که با توسل به رورجسین با سک را جانوس بآرد.

حزب با اصطلاح هموسسنت اسپاسا سیمراخی حزب "سوس سنا لیسما" انگلیس سنا سی خود را ارشاسون صد خرابکاری که به پلیس سروراسا با اجازه

۳ میلیون دلار برای سوروی شکل است. اصل که وینتام مساکس و سیمخ غلات روسوسست سوروی ما در با غله ما سسین کشور همسار خود را مضامین بعضی گزارشاتنا خود میسند تحلیل داده است. این امر دارای اهمیت زیادی است چون وینتام را محسور ووا شد با حاکم برای بحران این کشور کموده ما را راهای عرب روی آورش و دویا خطرین شانسی سیاسی را که در منطقه کرسکی عمومی بوجود خواهد آمد پذیرا کرد.

هم اکنون علائم نارضا - بنی در میان سوته های مردم وینتام که متوجه روسهاست به چشم میخورد. روسا نیسان از همکاری با دولت سرباز می - رنند و غله خود را انسا رک کرده از فرسایش آن به شهرها خود داری میکنند. در کبری های سکر میا به آنچه که در مسورد کشورهای وابسته آمریکا امضای میسند تکرار میسند. بعد از اجتماع سوروی احزاب در وینتام کسند شده است. دوس آرمان در شهر اسرا - جسی خود وینتام در جمله ای به اسوسسار بختل رسیده است. سک گروه از سرورینها از طرف روسا نیایی که فکر میگردند آنها روسی هستند سسند سسند در کشوریکه نسلهای میوالی با اسسما روا سسما سسما سسما هستند، سو دمان مردم سرودی دسما سسار را سسما سسند حتی اگر اس دسمن جدید دسمنی خود را در بهاب "سوسا لیسما" مخفی کند.

## اسپانیا

منطقه با سک در اروپا در سسنت نیالی اسپاسا و صحت حوسنی فرا سسند در حده کوههای "سوسه" قرار دارند. برای سالها مردم با سک در روس سس سسری پلیس ملی دولت های اسپاسا و فراسه مسوار







# بیاد شهیدی گمنام

## از شهدای راه استقلال و آزادی ایران

درگیری‌ها پیش با متجا وزین بعثی شریف میگرد و میگفت که برای دیده‌بانی سبزوهای عراقی به بالای یکی از نخلهای اطراف چینه‌رفته بودم که ناگهان من و دیده‌بان عراقی با دوربین یک دیگر را دیدیم و هر دو از خل پائین آمدیم اما من زودتر برپسدم پائین و دیده‌بان عراقی را بدرگیا ربستم. همه نیروهای انقلابی و رزمندگان که از اوایل درگیری در جنگ مقاومت در خونین شهر حضور فعال داشتند چهره این مبارزان بزرگ را فرا موش نخواهند کرد. علی بعد از شکست فضاحت با رزموران بعثی که مدتها نفرات آنها به هلاکت رسیده و تعداد زیادی خودروا نسواغ بسیاری از مهمات بجای نهادند مدتی بعد به جبهه دیگری بیسین جا ده آبادان ما هشره سردبیا متجا وزین بعثی پرداخت و بسا شجاعت و بی‌پاکی شکفت انگیزی در حالیکه خود را ننده جیبی که تفنگ ۱۰۶ میلیمتری روی آن سوار بود را بعهده داشت در حال حرکت بسوی قلب دشمن حمله میبرد و یک دست و یک پای دیگرش تعنگ را تلیک مینمود و صف دشمنان متجا وز را زمین نمود. علی در یکی از همین عملیات قهرمانانه خود بوسیله ترکش خمپاره دشمن که در چند متری انومبیل وی منفجر میشد در راه دفاع از میهن و انقلاب شهید میشود و شهیدی دیگر به صف گمنام شهیدان تاریخ انقلاب میهنمان میپیوندد. یادش را گرامی میداریم و را ایر امتخارش را که راه همه جان بزرگان رزمندگان رزمندگان و آزادی و سربلندی میهن است را ادا ما خوا هیم‌داد.

عده‌ای از هواداران " اتحادیه کمونیستهای ایران - شرکت کنندگان در جنگ جنوب

در نخستین روزها و ساعتها ی هجوم با جوانان مردانه اشرا ر مزدور بعثی عراق به کوی دوالفقاری ، عده‌ای از مبارزان پر شور و شجاع آبادانی که نموانند و از دست دادن خونن شهرسیر چهره آنان مجسم بود ، برخلاف خود با ختگان و مدعیان دروغسین مساره فدا میربا لیبستی که با شنیدن خبر محاصره شهر خودشان که در میرفتند هیچ مردمی را هم که در شهر مانده بودند تشویق به ترک شهر مینمودند. حتی در قسمتی از شهر نقشه راههای فشار را نیز رسم کردند و از برخلاف آبادی حزب تفرقه افکن و وحدت شکن حا کم که عوامل آنها بیشتر در ارتگاسهای مسلح و مساجد و نهادهای قدرت مانده بودند که فتوحات بدست آمده را بنا خود ثبت کنند و به بگیری و بیندنیروهای انقلابی و مترفی و به نقش دشمن شادکسن خویش ادا مدهند. بودند جوانان از جان گذشته و انقلابی که تصمیم داشتند تا آخرین قطره خون خود را شهروا نه و کاشانه خود دفاع کنند. این جان بدگفان با وقوع خبر حمله متجا وز بسین عراقی خود را به محله شهید دریا نلی رسانده و با متجا وز بسین نبرد حماسه آمیزینی دست زدند. در میان اولین گروه رزمندگان ذوالفقاری رزمندگان شهید علی که همزمان و دوستانش او را "علی سیاه" صدا میکردند با آن قد کوتاه و چهره سیاه سوخته و چالاکسی بی نظیرش بیش از دیگران طلب توجه مردم با قیامانده در محل و رزمندگان انقلابی را می نمود و چون راننده یک جیب ارتشی بود بطور خستگی نا پذیر نقرات کمکی و آذوقه و مهمات را در میسان آتش خمپاره و خمسه حمله دشمن به خط اول جبهه میرساند. روز اول یا دوم درگیری در کوی ذوالفقاری بود که ما در جبهه با علی آشنا شدیم، شهید علی با روی خندان داشت سرایمان از یک کسی از

### نامه يك کارگريه نشريه حقيقت

تا این تاریخ ۵۹/۱۲/۱۶ در اعتصاب بودیم و اگر نخواهند حق ما را ندهند برای گرفتن حق خود از حلقوم را رودسته حسب جمهوری تفرقه اندازید اعتبار خود ادا ما خوا هیم‌داد.

نشريه منترم حقيقت من کارگر کفش ملی هستم میخواهم در مورد اعتصاب کارگران این کارخانه برای شما گزارشی بشویم و امیدوارم آن را احاط کنید تا کارگران دیگر هم بدانند که چگونه ما رودسته خائن حزب جمهوری بخاطر دادن عزشی از حق سوق حقه مالشکر کشی میکنند و کارگران را به خاک و خون میکشند.

۵۹/۱۲/۱۶

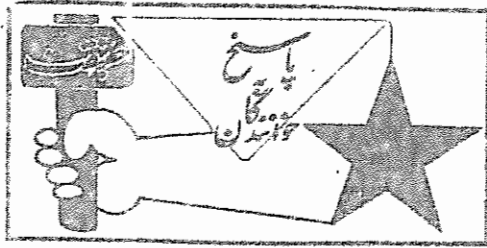
اعتصاب ما از ۵۹/۱۲/۱۱ شروع شده و هنوز هم ادا ما دارد. ما کارگران میخواهیم اقلا سودویزه، پاداش سالانه و عیسی خود را بگیریم ولی هیئت مدیره مزدور و رئیس کمیته کفش ملی سازمان رضوی که یکی از نوکران حزب جمهوری اسلامی است سراسر ما را با سار و کمینه چی ما را شهید میکنند. و به ما حمله می کنند و حتی در یکی از این حملات ما در کارگری سهاش کشته میشود. ما حتی اسم اعصابی شورای خرد را میدانیم. فقط مسی دو سفر را میشناسم، اکبر قیاسی - اکرم زادحانی. این دو نفر توسط حزب جمهوری جما و دستگیر شده اند که تا حال آزاد نشده اند. و تا پیدا بشه هم سارش نکنند خواست ما، دخالت نکردن با سار و کمینه چی در مورد اخلی کارخانه. گرفتن سودویسزه چهار ماهه عیدی و پاداش است.

### درباره لایحه

نقیه از صفحه ۴

از آزادی میترسد که میدانند حقیقت در کنارش نیست، بی ایمان و متزلزل است، دروغ گو و هوچی است، و از مقابلها افکار مخالف خود خوف دارد و تمهیدهاست که مردم برایش تره هم خرد نمیکنند. چنین گمان دیگر فهمیده اند که حرفسنان حریفان رسد ارد، پتدشان روی آب افتاده و سرنگاه سقوط از قدرت در نزدیکیشان قرار دارد. آری چنین گمان تنها حربه زنیست.





## رفیق علی. م. از رشت

میپرسند:

۱- پایه‌های طبقاتی بی‌مسدود و نیروهای بی‌موم وی چیست؟  
۲- در شرایط مشخص کنونی جامعه ما برخورد مشخص ما مدسی مدروا طرافیا - نش چه باید باشد؟

پاسخ: بررسی مسائل بالابا رها در شماره‌های "حقیقت" صورت گرفته است و از این رومطالعه دقیقتر این نشریه را، خصوصا مقالاتی را به بحث و بررسی جریان‌ها و شریک در قدرت، اختلافات و مخالفت‌های دروسی آنها پرداخته است. دعوت می‌کنیم، مختصرا اینکه بنی مدرو جریسان ویژه وی اردرون بورژوازی ملسی و روشنفکران آن برحاسته و باین طبقه تعلق دارد. سواخی این جریان بنسبی مدری را بعنوان یک جریان مخالف سیاسی و فکری ما بدرمیان طرفداران مصدق جستجو کرد. وی آن جناح ارجحیانا نام ممد فی را ناما بندگی مکنند که به جمعیوری حواهی (جمعیوری حواهی سورژوازی) گروه بده و برای پیشبرد مبارزه خود، وهمچنین مقادومت در برابر صعود تفکرات مسار کسیتی، در مذهب سلاح مناسبی یا ممانند اما برخورد با رفتار سیاسی مشخص ما بده بنی مدرو جریسان وی اولانا ساس کلی ما سمیت به سورژوازی ملی در مرحلسمه انقلاب مدی کراسک و ملی سنی ارسامت دوکاسا سادوما رده منتقا میگردید، ساسی که البته مسته و مامع و احوال و بعضی مواضع سورژوازی ملی ازلحاظ شکل وسیوه، اجرا و ازلحاظ وره‌ای کند حبه اسادیا حسه، مبارزه اس ساس بخود متکبر دت غیر می‌کند. ناانما، مسسر سواوسی که ممان خریا سهای محلسف مسست به سورژوازی ملی و افسار آن موب حوداست میننی است. بطور کلی ساس ما در برخورد سحن مدسی مدرو جریسان ساسی وی در جا معنای این است: همراهی و تشویق وی در حدی که با آمریکا و سوروی ارمومع استقلال طلبیا به مخالفت می‌کند، در چک علیت مسجا ورس عوامی و ساداری سنا رده و در برابر سرجریا سهای سوادا ر

آن در غور نشویق است. بعلاوه این حمایت با تشویق بمسای حمایت از سازشکاری نیست، حد در اسنا سازشکاری نیست که تشویق و حمایت میشود. هر جا که سازشکاری است، چنانکه گفته شد، باید مخالفت و مبارزه صورت گیرد؛ البته بدون آنکه لسه تیز خملدا زروی آمت اصلی کنونی بر- داشته شود.

در مورد سوال بعدی باید گفت که اگر بنی مدرو تصادی با امپریالیسم نداشتند با سده استقبال جنگ با سنا و زکاران عراقی هم منصرفت - هر چند که این استقبال با تکیه بر ارتش سنتی و روشهای بوروکرا- نیک اداره جنگ باشد. بیدیده ما نیروئی که به استقبال این جنگ نروودیا مانند حزب جمهوری در آن اخلال و خرابکاری کند تصادی هم با امپریالیسم نداد و یاد دست کم با بزجه دست امپریالیسم است. هم - چنین نیروئی که از زاویه منافع یکی از قدرتها امپریالیستی و رقابتی میان ابر قدرتها در جنگ شرکت کند با زا موضوع تصادمت با امپریالیسم حرکت نمی‌کند و به طیف جریا سهای مخالف امپریالیسم تعلق ندارد.

اما سنی مدرو منافع بورژوازی ملی را سنا بندگی می‌کند، یعنی جریانی متعلق به این بورژوازی است، زیرا ازلحاظ اقتصاد سنا به وسایستی در چارچوب انتظارات این طبقه (چه در برابر سرمایه کمپرا دوری و بوروکراتیک وابسته و چه در برابر کارگران و زحمتکشان) طرح می‌کند، ازلحاظ سیاسی سنا آزادیخواهی ستم بده اس طینه و نطاه با رلخانی بورژواشس مورد در خواست این طبقه، سنا محافظه کاری های لازم جهت حفظ منافع بورژوازی در برابر تعرض کارگران، هم رانی دارد، راز لحاظ فرهنگی و ایدئولوژیک هم بمانا به یک روشنفکر بورژوازی حرکت کرده و نمونه ای ارتشکرات ملی گراسه و مذهبی در سنان تحمیل کرده های این طبقه را رواج میدهد. اما اینکه سورژوازی ملی با سنی مدرو تصاد است، ما چنین تصادی را، که بمعنای سادورای (احیاننا) تصادها سسسان دسته سنا، بیجا وسالات درون این طبقه سنا سنا هده سنی کنیم. ملاحظه اکترا قشسار سورژوازی ملی ونوده وسیعی از خسرده سورژوازی بارار، کارمندان و روشنفکران و غیره بخت وی هستند.

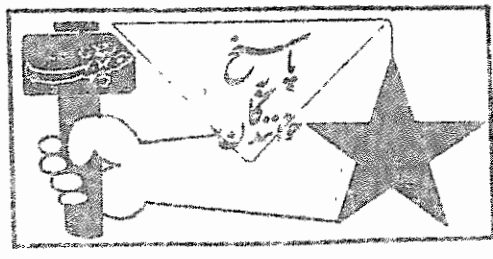
استبداد خصوصا حزب خود که ما کسیم مقادومت سنان دهد، و مخالفت و مبارزه با وی در حدی که سنا سازشکاری در برابر سمنان استقلال و سوادا ران استبداد دهد با استقلال سیاسی و تشکیلاتی طبقه کارگر و جیش کارگری رخواسته های انقلابی کارگران و دهقانان و توده های رنجسز شهری مخالفت و رزده و سرسین با آنها را بکشا بده همچنین مخالفت با سیاست وی بر سار ارتش کنوسی، مشخص ترا زاین راد در تحلیل ها و مباحث هفته به هفته "حقیقت" جستجو می‌کنیم.

## رفیق م. ر. آلف از سیراز

میپرسند:

۱- "برخورد ما به تصادی که سنی مدرو حزب جمهوری دارد چه مینماید؟ آیا باید حمایت کنیم یا افشا کنیم؟ در صورت حمایت این بمعنای حمایت از سازشکاری نیست؟"  
۲- "تا بحال بنی مدرو (به جز جنگ سنا عراق) با امپریالیسم تصاد داشته سنا دارد؟"  
۳- "کلچرا می‌گوئیم سنی مدرو نما بده بورژوازی ملی است؟ مگر بورژوازی ملی با سنی مدرو تصاد نیست؟"

پاسخ: برخورد ما به سنا در سسسان سنی مدرو حزب جمعیوری سنا با در جه مسست تقدید و تزیایدان سنا سنا در حده مسست اسروا و ارسه پاشیدن و سرشکوسی دیگتا - سوریا سنا حزب و عرا آن دست توده های مردم ترا رگیرد. طبقاتا آسنا که سنی مدرو به مقابله و ستمنا این حزب و حاکم مسست آن پردازد. اس حزب و این در دسته را افشا کننده سوده را طلبه آنها را سگر سنا دست کم مامع حرکت نوده سوده، در حد رز تشویق و حمایت است؛ و ما آنکه تا آحا کدوی راه ساری و سرده پوشی در سبال این دار و سده در پس گیرد و ما مامع حرکت سوده شود در حور تفسح و مخالفت مینماید. عواما این بمعنای نا سندر سنا مامع سنی مدرو سنی آسند؛ سگر سنا سیاست های وی در سده سسده ها سنی سنا سنا بطور کلی هر سنی وی سنی که ارا و سده مامع سنی خواها سنا سنا (خوچند سنی خواها به سورژوازی) سنا سنا حزب کدانی مخالفت رورده، در حد مخالفت



**رفقا د ق و ف ۱ از تهران**  
 م. ص. از تبریز

نبرصیتوانند با سخ گفتن بر سوال خود را در مطالب با لایحه کنند. مفهوم سوال اول رفیق م. ص. از تبریز سبب برایمان روشن نیست، لطفاً با توضیح روش تری سوال خود را برایمان ارسال نمایند.

\* \* \*  
 رفیقی در نامه ای بدون امضاء (بتاریخ ۲۹ بهمن ۵۹) نوشته است: "بنی صدراستالین را چندبار رسانا کنون کوبیده... آیا لازم نیست استالین را آنطور که بوده (با انتقاداتی که دارد) به طبقه رحمتکش معرفی کنیم؟"  
 پاسخ: از نمایندگان بسوزواری انتظار دیگری هم نیست؛ ولی مقاله با تحریعات و باده کوشی های ایشان ضروری است، و امیدواریم در آینده این کار در نشریه ما صورت گیرد.

\* \* \*  
**م. د. از تهران**

پرسیده است:  
 "جراد شماره های مختلف حقیقت را رژیم خمینی یا "حکومت خمینی" و ارباب قبیل نام برده میشود؟ آیا این به معنی آنست که این رژیم واحد است؟ و آیا حتی سگدست دارد؟ و اگر نه پس معنی نگاربردن لغت رژیم خمینی چیست؟"  
 پاسخ: بدنی خاطر که در رأس حکومت ایران حصی قرار گرفته و تمام جناحهای سربک در قدرت سیر راستی با راستی رهبری وی را تصدیق داشته و رای و نطقیت دارد (اگرچه گاه حسه صوری داشته باشد). در هیچیک از موارد هم معانی که شما در بطور دارید را آنها مستفا ندیده بود.

\* \* \*  
**رفیق علیرضا ب. از بوشهر**

در نامه ای منس اساره ده استنوخه به تحلیل مسخر در مورد واقع بینانلی سزالات بر سر مطرح نموده اند که به آنها پاسخ میدهیم.  
 ۱- آنها سجاد سه نگه نمالی را سبک

کشور سوسالیستی میداند آیا آنها همچون بقیه روبریو سوسیالیستی؟  
 "آب نظراتها دیده در باره رژیم سوسالیستی سابق (بول پوت) چیست؟ آیا بول پوت را یک شخص کمونیست میدانند یا یکسری انحرافات تا یک خود فرمت طلب؟"

پاسخ: موضع مادر باره نگه شمالی موضع اتحادیه کمونیستها در باره کسره شمالی (جمهوری دیکراتیک خلق کره) این است که این کشور یک کشور سوسالیستی است. این موضع در حقیقت همان موضوعی است که جنبش بین المللی کمونیستی قبیل از انشعاب میان مارکسیسم و روبریو نیسم در سالهای ۶۰ در این رابطه داشته است. البته سا زمان ما در مورد ساخت جا معده کره و جگونگی اعمال حاکمیت طبقه کارگر (دیکتاتور پرولتاریا) در این کشور تحقیقات چندانی ندارد.

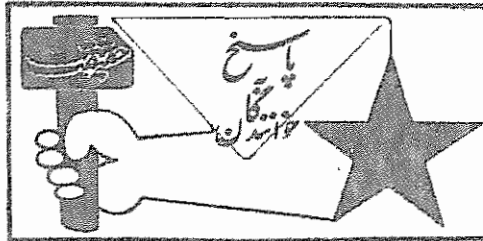
حزب طبقه کارگر در کره در دورانی که عفا دمیان مارکسیسم و لنینیسم بسا روبریو نیسم خرو سحقی جنبش بین المللی کمونیستی را بد انشعاب گشاید از یکطرف روبریو نیسم خرو سحقی را در باره ای نظایر با رزآن ما سندراره مسا است آمیزانقلاب و غیره محکوم کرده دولتی از طرف دیگر آنها از سر خوردن واقع سدردمداران اس جریسان روبریو نیستی در حزب کمونیست سسوروی طفره رفتند. آنها در حقیقت به یک موضع میاند در این رابطه کفا کردند. لازم است تذکرات که به گونه موضعی "میان سه" سنها به حزب کره محدود می شود و احسزاز ویننام و سا حدودی کونا هم چنین مواضعی داشته اند. اما سرتکا ملی روند انشعاب در جسس کمونیستی در مورد حزب ویننام و حزب کونا آنها را عافت به اردوگا دورت سوسیم خرو سحقی و سوسال امیریا لسیسم کتید در حال سکر معنای کره ای در اس عرفان دظلمیده و موامع مسفل خود را حفظ کرده اند.

ما اربکار خلق کره رهبری کسم ایل سوک برای وحدت دو کره در بطور عام دموکراسیک پیشناسی میکنیم. حمایت رفقای کره ای را انقلاب ایران و خودداری آنها از در علسدن بد م سوسال امیریا لسیسم روس و روبریو نیسم حصی نایستد سوسط کمونیستهای اسرا ن استقبال شود.

اما آنچه سیتوان اسکا ز کرد این است که در آثار و نظرات رفقای کره ای نظراتی در باره مشخصات عصر کنونی و روند انقلاب در جهان ما وجود دارد که بسیار متناسب در سنتوری و تجدید نظر در باره ای مباسی آموزشهای لسنی است. این مسائل که مدتی هم در باره ای از ادسیات سوساط به گره به آیم ایل سونگیم "شعبی سوسال سوساط" است که ناسد و گرفتار دستا وردهای جنبش کمونیستی در ما بلسه با روبریو نیسم مدرن و تکامل آن بسسه سوسال امیریا لسیسم و همچنین سگوت در برابر ارتجاع و روبریو نیستی حاکم بر چین را توجیه میکنند و اینبار موضع میان سه گوانه (سانترستی) را در لوی سوسی "کمونیسم ملی" مطرح میکنند. بالطبع ما با این مواضع موافق نبوده و آنسرا کماکان موضعی "وسط" و خطرناک ارزیابی میکنیم. همچنین رفیق جواد هم می تواند با سخ خود را در این بطور جستجو کنند.

در باره پول پوت و مبارزات مردم کا میوج سا زمان ما از مبارزات مردم کا میوج بر علیه امپریالیسم آمریکا که عاقبت رژیم دیکتاتوری تون نول را بزیر کشید خما بت میکنند. این مبارزات با شرکت حزب کمونیست کا مئوح به پیش رفت و اسن حزب او از جمله رهبران پول پوت در آن نقش مهمی داشته اند. پس از زبوری رژیم سیرکا میوج حاکم شد که بعد از مدتی بتوسط نیروهای نظامی ویننام و به تحریک شوروی سرنگون گردید. در شرایط کنونی مبارزه آراد میخواست ها نه و استقلال طلبانه مردم کا میوج بر علیه دولت دست نشاند ویننام و شوروی ادامه دارد و ما از این مبارزه عاهد لانه حمایت میکنیم.

در باره دورانی که پول پوت و با رانش در رأس حکومت کا میوج بودند مطابق اخباری که بدست ما رسیده است چنین بنظر میرسد که رژیم حاکم بر این کشور ساسنی کا ملاعقد دموکراتیک در شمال توده های مردم کا میوج داشته است. نرا هم موجود حکات از موضع نادرست حزب کوسست کا میوج در شمال چین روبریو نیستی اربک و اوسوی دیگر حکایت از برخورد های چپ روانسسه و استبدادی سست به اقشار مختلف حلسی داردا لسطع تا که سافت تحلیل مسخر و ساهمداری در باره موضوع مورد بحث نظیه در صفحه ۱۹



کمونئیستهای ایران در این موارد که ذکر شد از آموزشهای حزب کارآلبانی بهره برده است و از آنها حمایت نموده است .

اما در ادامه جدال با رویزیونیست های چینی حزب کارآلبانی و رفیق انور خوجه مواضعی را اتخاذ نموده اند که دستکم به روند بحران در جنبش کمونیستی بشدت دامن زده است . رفقای آلبانیسی امروزه ضدیت خود را با رویزیونیستهای چینی به مارکسیست - لنینیستهای چینی هم تعمیم میدهند آنها رفیق ما ثوتسه دون آموزگار پرولتاریای جهان را هم در باره ای آثار خود رویزیونیست خوانده اند . بالطبع این نظرات و مواضع منتهجه از آنها مورد قبول اتحادیه کمونیستهای ایران نمیباشد . ما امیدواریم تساهل آینده بتوانیم در مقالات مفصلتری در باره مسائل مطروحه در جنبش بحران زده بین المللی کمونیستی نظرات خود را ابراز داریم .

\* \* \*

ما بقی سوالات شما در شماره های آینده پاسخ داده خواهیم شد .

اندخال آنکه دو نفر دیگر ضعف نشان داده اند . بالطبع ما از کسانی که از منافع انقلاب جیبی دفاع کرده اند قاطعانه سبقتی با آنها نمیکنیم .

در باره حزب کارآلبانی ، این حزب یکی از احزاب قدیمی جنبش بین الملل کمونیستی است . این حزب انقلاب خلق آلبانی را در نهضت ضد فاشیستی رهبری نمود و جمهوری سوسیالیستی آلبانی را بنیاد گذارد . حزب کارآلبانی در مبارزه بر علیه رویزیونیسم مدرن در صف ما رکسیست - لنینیست ها قرار گرفت و با موضعگیری قاطع خود ضربه محکمی به اردوی خروشچف و شرکاء وارد آورد . در مقابل با رویزیونیسم نوپسای چینی هم رفقای آلبانی با موضعگیری خود در سطح جهانی به طرفداران رودسته حاکم برجین و تئوری رویزیونیستی سه جهان که اینها برای جنبش کمونیستی نسخه پیچیده بودند بیاری رسانیدند . اتحادیه

هستیم نمیتوانیم دارای موضع مشخصی در باره نقش پول پوت در آن کشور در رابطه با مسئله فوق الذکر باشیم اما این هست که بهر حال برداشت ما از سوسیالیسم و دیکراسی توده ای با قلمع و قمع آزادی ها و حقوق دیکراتیک مردم تجاوت بسیار داشته و بر خورده های چپ روانه این رژیم را در بوجود آوردن شرایط سرنگونی اش موثر میدانیم .

نکته جالب این است که سوسیالیسم سوسیال امپریالیست در دوران لئون نول زمانیکه نهضت مردم کامبوج علیه امپریالیسم آمریکا و رژیم دست نشانده اش اوج میگرفت از این رژیم حمایت میکرد و اکنون هم نهضت مردم کامبوج را که بر علیه اشغالگران ویتنامی و دست نشانده اش نشان متوجه است محکوم نمیکند و به سرکوبگران بیاری میرسانند .

\* \* \*

رفیق م . از نقده

در باره مواضع ما در مجال گروه " چهار رفره " در چین و همچنین نظر ما در مورد مواضع حزب کارآلبانی و ساختن اتحادیه بین کشور پیرسیده است .

پاسخ : در باره گروه چهار رفره درجی ، اصطلاح گروه چهار رفره در چین اشاره به گروهی مرکب از چیانگ کائو و چون چیا شومین است . این گروه که همگی سرانقلاب فرسکی پرولتاریایی چین بخش مهمی داشته اند در حقیقت به آنها هم دفاع از ارا بدینه های ما ثوتسه دون و پرولتری درجی مورد محاکمه قرار گرفته اند . آنها را به دادگاه کشیده اند تا همیشه را برای سرکوب دستاوردهای پرولتاریا درجی آماده کنند . ما محاکمه و محاسبات آسان را توسط دارودسته خباثنکار رننگ سبب شویم و ترکاء محکوم میکنیم و اگر ما براب پرولتاریای چین بر علیه رویزیونیسمی که هر روز گسترش میابد حمایت میکنیم . نا آنجا که از اخبار رسیده در مورد دادگاهها بیاری آمده و گروه معروف به چهار رفره خباثنکار جنگی چون حیا - شوارز و سایر را با خود دفاع کرده و بجرم ما - ره را در دادگاهها برافراشته اند و دست

## گفته های یک زن کارگر از گروه پز خانه

تو چون وقت سخنرانی خطا بهم میکنی خواهر . به این اندیشه ام تا چون کنم لفظ تو را باور که میبینم در انگشتان بیگانه تو انگشتی و دست من تمام روز در خست است و خاکستر سرانگشتم چون بیض از درد میگویند و لسی یا دردم خاکستر و خاک میروید تمام روز من در کار خست و طفل بر پشتم نشاء زگریه بازش دارم و گل بود در مضمم ولی تو کودکت را ناز میکرده ای به آرمی چه جای راست من را خواهی و همشان مینامی کجا از آفتاب داغ ظاول بسته لیسایست کجا بیرون زده از بی غذائی استخوانهایست کجا دانشم به تردیدی نمیرد طفل بیمسارت برای نام کجا با خست و گل بود در مکارا نوشورا را گرفت تا نگویم درد و در ما نسیم تو را با خود برابریا سرادرم نمیدانم سرابرنیست مزد و زحمت من باشما هرگز برادر نیستی با من به لعنتی ناسجا هرگز زجمع انگلان هرکس به نوعی خواند افسانه مرا مانند من یا راست و امثال تو بیگانه نه نوحا کم گشته ای بر من نه ما مستضعفان برسو به استعمار ما با دست خود پامیده ای از نسو حماق و زور حاکم گشته نه شسورا و آزادی دروغی حاسی من توجه به روزی بمن دادی

## جنایتی

بقیه از صفحه آخر

## حمله پماداران . . .

بقیه از صفحه آخر

عبارتند از: ۱- سمیدزیبری، ۲- مرتضی زیبری (پسرعموی سعید) ۳- علام ۴۰۰۰، ۴- جمشید ۴۰۰۰، ۵- حسن ۴۰۰۰ این عده روزهای شنبه (صبح) در طبقه دوم "هشتی انقلاب" (محلی در خیابان مدرس) جلسه دادند و اعلامیه‌هایشان توسط امکانات "جهاد سازندگی"!! واقع در حوالی میدان فردوسی تکثیر میشود!

پنجشنبه ۳۰ بهمن ۱۳۵۹:

حوالی ساعت ۱۰/۵ صبح یک فروشنده "امت" در حوالی سی چاه راه مدرس مورد حمله قرار میگیرد و روزنامه‌هاش پاره میشود.

چهارشنبه ۲۹ بهمن ۱۳۵۹:

یک نفر که اعلامیه‌های "اتحاد کومونیستهای ایران" را در حوالی بازار پخش میکرد طی زد و خوردی دستگیر و به کمیته مرکزی برده میشود. در آنجا وی را کتک زده و با زجوبی و "تصحیح" می‌کنند. ولی بعد از ۲ و ۳ ساعت که چیزی دستگیرشان نمیشود، وی را آزاد میکنند.

یکشنبه ۱۳/۳/۱۳۵۹:

در چهار راه مدرس، به دو دختر فروشنده "جهاد" حمله میشود. و چند نفر چاقو را میخوابانند و نشریات آنها را پاره کنند و با افشاکاری عداوت مردم تجمع کرده و به این اعمال مرتجعانه اعتراض شدید مینمایند. با نتیجه اعمال چاقو زنی می‌شوند.

یکشنبه ۱۲/۳/۱۳۵۹:

حوالی غروب، یک نفر که در اطراف میدان آزادی (گاراژ) مشغول فروش نشریه "حقیقت" و پخش اعلامیه بود، مورد هجوم چاقو داران قرار میگیرد که مردم با هو کردن مانع شده و آنها را فراری می‌دهند!

یکشنبه ۱۱/۳/۱۳۵۹:

در همین روز در گوشه‌ای دیگر از شهر (کوهساری جوان‌نشین) ۲ پاسبان (که گویا میخواستند از دوستان چاقو داران پاسبان را خنجر عیب‌نمانند) ۲ دختر را به "هجوم" فروختن یک نشریه کومونیستی دستگیر کرده بودند که عداوت مردم مخالفت کرده، و به کمک یکی دو نفر از هواداران "اتحادیه" آنها را از چنگ پاسبانها صی گریزند. بعد از آن بین مردم در مورد چاقو زنی و چاقو داران بحث و گفتگو در گرفت.

دوشنبه ۱۲/۴/۱۳۵۹:

در نزدیکی میدان راندی (گاراژ) جوان ۱۴ ساله‌ای مشغول فروش نشریه "جهاد" بود. عده‌ای با سدا از یک ماشین آهویا ده شد و با طرف هجوم می‌برند و او را دستگیر میکنند. اما با اعتراض شدید مردم روبرو میشوند و مقابل سورش مردم جوان مجاهد را رها کرده فرار میکنند.

\* \* \*

۱- عبا ربا لاوک ارشادات را که با ستاره نشانده چند نکته است:  
 ۱- اگر چه چاقو داران بیرونی بگرفتند از نشریات انقلابی و ترقی از خود حساست فوق العاده نشان می‌دهند. بعنوان مثال در چند هفته گذشته در کرمانها فروشندهگان "جهاد"، "حقیقت" و "امت" بیچاره مورد حمله بوده‌اند.

۲- بر خلاف گذشته مردم در مقابل درگیری چاقو داران و هواداران نیروهای مسمی و انقلابی بی تفاوت نمی‌مانند. در بسیاری موارد با اتحاد سیاست بقیه در صفحه ۱۱

سیا (چون کوری رش) و دیگر مرتجعین صحبتی نمیکنند! "اعلامیه" حتی بیک کلمه در مورد اتحاد آشکارا رونمایی از این حزب با بحث عراق سمیگوید و... و بهمین خاطر نمیتوانند در پیشه واقعی سیاسیست فدا انقلابی حزب دمکرات نسبت به سایر نیروها را در گردن ستان توضیح دهد و به عام گویی در مورد "سرمایه‌داری" بودن این حزب بسنده میکند! "اعلامیه" و "پیکار" نمیتوانند توضیح دهند که این سیاست‌هایی از تمایل انحنا طلبانه حزب دمکرات برای سلطه بلامنازع در کردستان ایران است. و این تمایل نه تمایل "قاسملو" بلکه تمایل امپریالیستها برای تحت سلطه نگهداشتن ایران، فدیت امپریالیستها و عوامل داخلیشان در مقابل انقلاب همه مردم ایران و منجمله خلق کرد، تمایل امپریالیستها برای تبدیل کردستان ایران به پایگاهی ضد انقلابی میباشد. "پیکار" و نیروهای مشابه این امر را درک نمی‌کنند. برای این نیروها حزب دمکرات هنوز یک نیروی "بورژوا" است و اشکالش هم این است که در مقابل رژیم جمهوری اسلامی "متزلزل" است.

"حزب دمکرات پیش از آنکه دشمنی و مبارزه‌اش با رژیم جمهوری اسلامی باشد نیروهای انقلابی است و بهمین دلیل مرتبا به رژیم‌پیشنها دهنه‌ها کرده می‌دهد و ما به نیروهای انقلابی اعلان جنگ میکنند" (تا کیدا زمانست) تعریف بالا از حزب دمکرات، تعریف یک حزب مترقی اما ناپیگیر و متزلزل میباشد. تعریف جریان اجتماعی است که با ارتجاع تضاد دارد ولی از انقلاب نیز میهراسد. اما همه نظور که گفتیم و همه بطور که واقعات نشان میدهد، این "تحلیل" و این "تعریف" از حزب دمکرات کاملاً بی‌پایه و اساس است. در حزب دمکرات این نیست که میخواستند با رژیم جمهوری اسلامی "سازش" کنند و یا بی "مذاکره" پاسبانان بیرونی و در واقع حزب دمکرات آنست که میخواهد کردستان را با لانگوا امپریالیستها و فئودالها و دیگر مرتجعین بنماید. آیا اعمال و رفتار حزب دمکرات - بخصوص پس از جنگ ایران و عراق - این نکته بدیهی را سه "پستار" نشان ندهد. ده است و این سیاست واقعی حزب دمکرات است، و بدین منظور باید سرکردستان اعمال خاکمیت کند. بنا بر این در مقابل نیروهای دیگر سرکردستان به وحشیگری دست می‌ازد تا آنها را رخنه بدر کند. حال اگر رژیم جمهوری اسلامی، این "حق" حزب دمکرات را سه رسمیت نشانده، با آن سازش میکنند، و گرنه جنگ بی‌پایه زدواین سیاست دلیل آن مسازات "قبیله‌مانده" پانزیرگان "حزب دمکرات" که "پیکار" در باره شان مطلب مسویست.

ریشه انحراف "پیکار" در مشی چپ سوسیالیست که این سازمان به پیش میگذارد. سوسیالیستی "چپ سوسیالیست" دشمنان اصلی انقلاب ایران، نیروهای ارتجاعی و وابسته از زیر سیخ حمله خلاص میشوند و نیروهای بورژوازی ملی و حسیرد، بورژوازی و پاسبان بینی و متزلزل، تحت شدیدترین حملات و درواقع آماج اصلی حمله قرار میگیرند. مشی ای که سنا چار در دست دشمنان انقلاب قرار میگیرد. فریبنا نشان این مشی، انقلاب و هم چنین خا ملیین آن میباشد. کشتار و عداوتی و وحشیانه "اعلامیه" و هواداران "پیکار" تنها نمونه کوچکی است.



بفیه از صفحه آخر

ولی متاسفانه زمان پیکار بهمان درجدا بیکه در بنده های چپ نمایی بیشتر و بیشتر گرفتار می شود و بیشتر و بیشتر نسبت به دشمنان واقعی خلق و انقلاب ایران و نیروهای وابسته به بیگانه ساز خود لاتیدی نشان میداد و میدهد. نمونه بارز این لاتیدی را در "اعلامیه" یک طرف کمینه کرده ستان این زمان در باره این جنایت هولناک ما در شده میتوان مشاهده کرد.

زمانی "سا زمان پیکار" بدرستی حزب دمکرات را بیک جریان وابسته و ارتجاعی ارزیابی مینمود. ولی گام به گام از این ارزیابی درست عقب نشست. اولین جرعه این عقوبت نشینی را زمانی زد که پای خود را از جوا بگوئی به "چریکهای فدائی" در باره حزب دمکرات در "کنفرانس وحدت" (بیش از یک سال پیش) کنار کشید. این عقب نشینی تا بداندجا ادامه یافت که "سا زمان پیکار" امروزه حزب دمکرات را فقط یک "جریان بورژوازی ارزیابی مینماید. و فقط همین! بهترین است تیلور این "ارزیابی" را در اعلامیه اخیر این سازمان در کردستان ببینیم.

"اعلامیه" در شرح ما چرا مینویسد: "جریان بدین قرار است که تعداد زیادی از افراد مسلح حزب دمکرات که اکثر مستقیم بودند..... ابتدا که ما اعلامیه را خواندیم نفهمیدیم که حمله حزب دمکرات به مقر "پیکار" چه ربطی به "مستی" افراد ایسن حزب دارد، و آیا این حمله بفا طریقی است این حزب و پیروان صورت پذیرفته و بفا ظرعیاً نسبت به مستی! فکر کردیم که شاید "اعلامیه" فقط میخواسته و اقصیت را توضیح دهد و بس. ولی اعلامیه روی این نکته اصرار دارد، توجه کنید: "..... به شهادت مردمی که از نزدیک شاهد ما جرا برده اند، بیوی الکل ناشی از مستی افراد حزب کا ملامعلوم بوده است. ما نمی فهمیم که چرا "پیکار" تا این حد بروی "مست بودن جانشای حزب دمکرات اصرار میورزد؟ آیا اگر اینها "مست" نبودند دست به چنین حرکتی نمی زدند؟ آیا بعد از "سربع سابع" جنگ که در آن همه تسووع اسلحه سنگین و سبک بکار رفت، مستی از سرشان نپزید که پس از "فتح" مقرها را بجا نماندند و وحشیانه آن فرد زخمی را سر بریدند و جرحین را "بزیرباران مشت و لگد گرفتند"؟ ایسن اعمال حزب دمکرات نه ناشی از بدستی، بلکه منطبق بر یک سیاست است. این سیاست عبارتست از اعمال حاکمیت مطلقه و بلامنازع در ستان سرگردستان. و بجا طرابین سیاست زورگویی ها، کشت و کشتار، جنگ و سازش با رژیم جمهوری اسلامی بنا به شرایط مترسل میگردد. این امر را "پیکار" و دیگر نیروهای چپ که مرتسب از حزب دمکرات گله گذاری میکنند نفهمیده اند! در حقیقت این نیروها نسبت به ماهیت حزب دمکرات و سیاستهای ارتجاعی اش "متوهم" هستند.

"اعلامیه" در ارزیابی از این حرکت مرتجعانه حزب دمکرات مینویسد: "حرکت دهر روز حزب دمکرات و کشتار و بیه خاک و حسون کشیدن عده ای از رفقای ما.... چیرتارهای نسبت. ایی ادا صه حرکت گذشته، حرب است. خلق سلاح پیشمرگان نیروهای انقلابی

اگر تا دیروز با تهدید صورت میگرفت، اکنون با هجوم وحشیانه توام است. تا اینجا، قضیه کا ملا درست ارزیابی میکنند، ولی ناگهان شگفت زده میگردند: "گویى حزب دمکرات دشمنان واقعی خود را در میان خلق کرده و نیروهای انقلابی می یابد". (تا کید از ما ست با این "گزینی" چه معنایی دارد؟ آیا "پیکار" نمیه خواهد به حزب دمکرات بگوید که بجای حمله به نیروهای انقلابی بسه رژیم جمهوری اسلامی حمله بیشتری بنماید؟ ما فکر میکنیم چنین است و این از ارزیابی چپ نمایی نشان بر میخیزد که حزب دمکرات را بیک متحد با لاقوه در مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی میباید بنده بهمین خاطر با حالت اعتراض آمیزی مینویسد "حزب دمکرات بیش از آنکه رژیم جمهوری اسلامی را دشمن شناسد، نیروهای انقلابی کردستان را در مقابل خود ببیند!!" لابد "پیکار" با تحلیل "علسی" خود از این "بورژوازی نمایی" بیگبر!! (بمعنی حزب دمکرات) انتظاً را زد که "حزب دمکرات بیش از آنکه نیروهای انقلابی را دشمن شناسد، رژیم جمهوری اسلامی را در مقابل خود ببیند!!" آیا این چنین نیست؟ آیا بسه این خاطر نیست که تا چندین پیش در روزنامه "پیکار" عملیات "قهرمانانه" پیشمرگان حزب دمکرات بمعنوان مبارزات خلق کرد علیه رژیم جمهوری اسلامی درج میشد؟

"اعلامیه" ادامه میدهد: "حزب دمکرات همچون هر حزب سرما به داری دیگر بیهوده می اندیشد که میتواند با سرکوب زحمت کشان صدای آنان را برای همیشه خفه کند" (تا کید از ما ست). راستی آیا در حزب دمکرات در "سرما به داری" (بورژوازی) بودن آنست؟ آیا هر حزب "بورژوازی" به چنین اعمال سنگینی و بسه چنین فجایی دست میزند؟ "پیکار" که امروزه سردمدار بسیار آردن تحلیلهای عام میباشد، هر جریانی را که با آن مخالف باشد "بورژوازی" میداند. هم حزب جمهوری اسلامی "بورژوازی" است، هم "نهضت آزادی"، هم حزب فروهر "بورژوازی" است، هم "حزب دمکرات کردستان"، معلوم نیست چه کسی "بورژوا" نیست؟ این "تحلیل" ها بفا اندازه یک سرسوزن هم به جنبش ما کمک نمی رساند و در بسیاری موارد باعث گجی و سردرگمی هم "پیکار" و هم جنبش ما گردیده است.

در حزب دمکرات در "بورژوا" بودن آن نیست، آنطور که "پیکار" فکر میکند! (در حقیقت "پیکار" تصور میکند که حزب دمکرات حزب "بورژواها" است، ولی بورژوازی ملیت تحت ستم، و بنا بر این از همین زاویه در مقابل "بورژوازی" ستمگر، یعنی رژیم جمهوری اسلامی، مبارزه میکند، در عین آنکه در مقابل آن منزه لزل است!!) حزب دمکرات، حزب فتودالهای کردستان، متحد باندهای سلطنت طلب، حزب وابسته و متکی به قدرتهای بزرگ جهانی است. حزب دمکرات نه از زاویه "بورژوازی" ضعیف گردستان بلکه از زاویه، فتودالهای کردستان، از زاویه، منافع و مطامع قدرتهای بزرگ امپریالیستی و ضد انقلاب سلطنت طلب به جنگ وجدال و کشت و کشتار مشغول است. این امر را بسیاری از نیروهای جنبش ما درک نمیکند و بهمین خاطر در مقابل این حزب ارتجاعی لنگ میسازند، حتی زمانیکه چنین وحشیانه بر آنها یورش میآورد.

"اعلامیه" در عین آنکه به گوشه های از جنایات و فجایع حزب دمکرات اشاره میکند، ولی ما هیت واقعی این حزب را لایسوانی میکند. "اعلامیه" حتی بیک کلمه در باره ماهیت ارتجاعی و وابسته این حزب نمیگوید! "اعلامیه" حتی بیک کلمه در مسورد انا د این حزب با بندهای ساواک، بعید در صفحه ۲۰

## مجاهدین

بقیه از صفحه ۲۲

حیا بان و در حضور مردم به یکی از فروشندگان نشریه "پیکار" حمله برده و او را مورد ضرب و شتم و ضوئیه قرار داده دستگیر می کنند. سپس با تجهیزات کا صیل و سلاحهای سنگین و نیروی زیاد مدعی "ما زمان پیکار" را در شهر بوکان محاصره و شروع به تیراندازی بسوی مفرونگیها بنان آن میکنند..... آنان بر روی مردم سیرایش میکنند..... این حمله وحشیانه با مقاومت دلبرانه رفقای ما (بعضی پیکار) روبرو میگردد. پس از آنکه بیسار در سطح ساعت درگیری و حمله، مسئول وار دمکرا آنها به مفرنا میگذران آن خاکه عده ای از رفقای ما هستند و ریحی میخورد، رفتار درون مفریبنها دانش سن و مذاکره سده شد، ولی اس جاسان و خلدان همچون پاسداران رژیم صدهلی جمهوری اسلامی از کوسدن مفرنا سلاحهای سنگ و سکن دست برسمدار سدا ما لآخره سدا حل مفر سعید کرده و شروع بدسکری و کمک کاری رفقای سی سلاح و سوهن سده آنان می نماید. افراد ریحی را بر سران مسدولگده می کسند..... سی بر ما سورو وحسان در راهه آنتا سر بریدن یکی از افراد ریحی سوه سده یکی از خلدان دمکرات می نماید. ریحی که اسکار را کسرد در زمان سده سرحا سون و سا و او کی و مرد حسان کاری سوده. او اکنون یکی از مسئولین حزب دمکرات است..... اسام ساکساد ارماست. سداب و او سده منظور خدا کا سدر همس سده رده. حقیقت سرحورد سده است) محب حزب دمکرات مسلکی! دوسان محاهداس و انصاف را حزب سوده و سده حزب جمهوری

ری "سکینه است، بلکه هما نظور که خواتید نیرووشی این اعلا میه را نوشته که هم رژیم صهیونیستی و هم "لیبرالها" را یکدست مرتجع و ضد خلقی میدانند و در پی "سازش" با هیچکدامان هم نیست!!

در مقابل این واقعیت جدا ریم که بگوئیم؟ و یا اصلا احتیاجی هست که چیزی بگوئیم؟ دوستان مجاهد میتوانند سروا قعیات واقعته اول این نیکاب را هم اضافه کنند: "سر بریدن اسرار مجروح" (فکر سومی کنیم چاقداران دواشته حزب جمهوری هم تا این حد "دمکرات" باشند)، "آتش کنودن بروی مردم بی دفاع"، "افراد ریحی" را زیر باران شب و لگدمرغش"، "اسرار با واکتی، جاسی، جلاد و.... را سنوان مسئولین حزب سوسی انصاف کردن" و.... این مجموعه را "حزب دمکرات کردستان ایران" میمانند "محض اطلاع" دوستان مجاهدان! جندی پیش دوستان مجاهد، در روزنامه نمان، مصاحبه یکی از سردمداران حزبی را که در ساره، وجود "ما محدود" آزادی در ایران به سکی از سغرای خارجی دروغها شوسل داده بود چاپ کرد، و بدرسسی مح این دروغ کوسبی سی آسورو مسدرا را سمود! محاهدسن خلق و همه، مردم ایران، دیگر کول عوام فریبی های اسسسی حزبی ها را در مورد دمکرات سسی ظلمی و آراد سخواهی سسسی حورند! ولی عجب است که محاهدسن خلق سرت سکی دیگر از همس سداب عوام فریبسان را حورده اند! "حزب دمکرات" هم دم اردمکراسی میبرسد،

املا سخی "دمکرات" است، ولی اعمالش یک سرسوزن با اعمال حزب جمهوری اسلامی عونیستی زند، تا سب با راست که محاهدین چنین خام گشته اند!

مجاهدین خلق بجای این که واقعیات را مورد بررسی قرار دهند، مرتباً حرفهای بسی با به و عوام فریبانه، قاسلسو را در ما حیده با "مجاهد" (آنهم در جواب به سوالات "جهت دار") مصاحبه با "لوموند"، مصاحبه با "بی بی سی" و.... شویسل خوانندگان خود میدهند و چشمان خود را سروا قعیات جساری در کردستان یکسره بسته اند! آیا مجاهدین تشخیص نمی دهند که نمایندگان حزب و نیروهای سیاسی را فقط بر مبنای ادعاهایی که در باره، خود مینمایند محک زده و ارزیابی نمود؟ آیا مجاهدین تشخیص نمیدهند که اگر ما میخواستیم فقط بسه ادعاها بسنده کنیم هم اکنون حزب توده را میبایستی یک حزب "انقلابی" و "مارکسیست لنینیست" جدا کنیم و حزب جمهوری اسلامی را یک حزب "انقلابی"، "فدامپریالیست"!

ماهیت و اعمال و رفتار حزب دمکرات کردستان، بسا ماهیت و اعمال و رفتار حزب جمهوری اسلامی چه تفاوتی دارد؟ هیچ! هر دو سسزب انحصار طلب هستند، هر دو حزب سرعیده آزادی و دمکراسی قیام کرده اند، هر دو حزب سده شنیع ترین و وحشیانه ترین روشهای اسبدادی نوسل جسبه اند، هر دو حزب بر عقب مانده ترین و مرتجع ترین اقشار اجتماعی منکی هستند، هر دو حزب سغرای پیشردمقا سده خود مجبور گشته اند تا به قدرتهای سزرگ خارجی سبابل بافته و با هم اکنون بصورت سزار دست آنان عمل میمانند، هر دو حزب سروهای اسفلامی را دشمن شماره، سبک خود قلمداد می نمایند و هر دو حزب عوام فریب هستند..... اما این بدان معنا نیست که

لزوما میبایستی این دو حزب متحد یکدیگر نیز باشند! همان طور که بهشتی و ویسی نیز امروز متحد یکدیگر نیستند! هما نظور که حزب جمهوری و دارو دسته سلطنت طلب از ایران را ندیده شده یکدیگر جنگ و دندان نشان میدهند. حزب دمکرات کردستان و حزب جمهوری، اسلامی از ماهیت یکسان برخوردار می باشند، در حالیکه با یکدیگر در تضاد (بر سر اعمال حاکمیت در منطقه کردستان) میباشند. نیروهای انقلابی نیایند فریب دعوای های کثونی این دو جریان را بخورند و اینها بیوهای "دمکراسی خواهان" نه شان چون پرده دودی آنها را از دیدن واقعیات دور بدارد. هما نظور که در "حقیقت" (۱۱۵) در مقاله "دفاع از حزب دمکرات دفاع از ضد انقلاب است" نوشتیم:

"برادران و خواهران مجاهد با دیدن سده که در حقیقت میان حزب دمکرات کردستان و حزب جمهوری اسلامی در ایران در فدییت با دمکراسی و در آما دگی برای سازش با ابرقدرتها تفاوتی موجود نیست و هم چنان که مردم ایران هر روز در تجربه روزمره، خود به ماهیت حزب جمهوری بیشتر و بهتر تر پی میبرند، مردم کردستان نیز هر روز بیشتر از پیش چهره واقعی حزب دمکرات را میشناسند. امروزه دیگر برای بسیاری واضح است که جنگ میان حزب دمکرات و حزب جمهوری اسلامی تنها جنگی ارتجاعی و خانمان سوز است که ملت ما را به تفرقه ای دردناک میکشاند و همچنین سار میان این دو حزب ارتجاعی هم چیزی جز یک سازش خیانت سار نخواهد بود که زمین را سغرای جنگها و سرکوبیهای بعدی هموار کنند."

واقعیات با لایدرستی محبت نظرها را که، حزب دمکرات ما هیتا تفاوتی با سسزب بقیه در صفحه ۸



